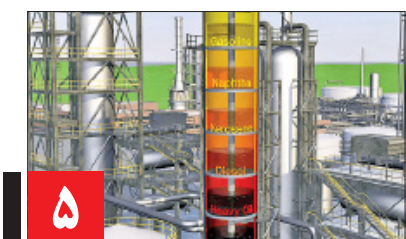


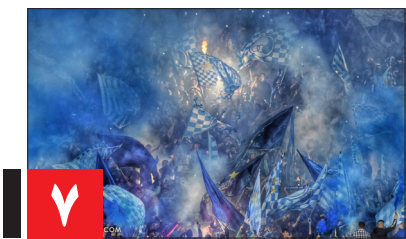
فصل جدید فرهنگ کار: «شیفت کاری خرد»



بر خورد بورس به سد
۳,۱ میلیونی



اوج گیری تقاضای نفت کوره



وقت فریاد در آسیاست



سیاست یکسان در تالارهای متفاوت	رویا فروشی در انتقال آب	یارانه حمایتی به مقصد نامعلوم
تالار دوم مرکز مبادله با هدف کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا انگیزه....	فلات مرکزی ایران، جایی که بسیاری از رودخانهها تنها خاطرهای از گذشتهاند و آبخاوها تحت فشار....	با این حال، بررسی هان نشان می دهد که این طرح و سایر برنامه های مشابه، با وجود صرف منابع مالی قابل توجه....

فصل جدید فرهنگ کار: «شیفت کاری خرد»

❶ کریم حسن پور - در سال‌های اخیر وبه‌ویژه از زمان قرنطینه‌های اجباری ناشی از همه‌گیری کرونا، دور کاری و کار ترکیبی رواج بسیاری یافت، اما به نظر می‌رسد که این روند فقط آغاز اتفاقی بزرگ‌تر باشد: آینده‌مشاغل به سمت «شیفت‌های کاری خرد» (microshifting) می‌روند.

بیابند، کارتری تلقی می‌شوند). این تصور در حالی است که داده‌ها خلاف آن را تایید می‌کنند. اول لیز دریافته که ۶۹ درصد مدیران اعتقاد دارند کار ترکیبی یا دور کاری، باعث افزایش بهره‌وری تیم‌های آنها شده است.

با این حال، همچنان شرکت‌های بسیاری به سرمایه‌گذاری روی نرم‌افزارهای نظارت و کنترل کارکنان و ثبت ساعات حضور آنها ادامه می‌دهند. فقط ۱۹ درصد کارکنان می‌گویند که شرکت‌های آنها از هیچ ابزار نظارتی استفاده نمی‌کند و ۴۷ درصد آنها ابزارهای نظارتی را یکی از نگرانی‌های اصلی خود در محل کارشان عنوان کرده‌اند.

این کمبود اعتماد به کارکنان، هزینه دارد. کارکنان به طور متوسط ۶ دقیقه از زمان خود را فقط برای شروع شدن در یک شیفت از دست می‌دهند (۲۷ درصد)؛ کارکنان از این رقم به ۱۰ دقیقه افزایش می‌دهند (۳۷ درصد)؛ و ۱۰ درصد از کارکنان تلاش می‌کنند از راه‌های تماس تصویری برای یک جلسه کاری راه‌اندازی کنند، اما به دلیل دشواری بیش از حد، تسلیم شده‌اند. به عنوان مثال، جلسات (meeting) خوانده می‌شود، زمان از دست رفتن در ارزی تلفت شده کارکنان فقط برای حضور در جلسات است. مایات جلسات دقیقاً به هم‌رویی کارکنان آسیب می‌زند؛ همان چیزی که رهبران سازمان ادعا می‌کنند خواهان حفاظت و تضمین آن هستند.

رهبران سازمان چگونه خود را انطباق دهند؟
اگر شیفت‌های کاری خرد، آینده کار باشد، رهبران سازمانی باید مدیریت زمان را متوقف کنند و شروع به مدیریت نتایج کنند. اقدامات مورد نیاز از این قرارند:

۱- هنجارهایی واضح برای ارتباطات و در دسترس بودن کارکنان تعیین کنید. اگر فردی از شیفت‌های کاری خرد استفاده می‌کند، همکاران و اعضای تیم کاری را باید بدانند که آن فرد چه زمان‌هایی در دسترس است و چه زمان‌هایی نیست. ابزارهایی مانند تقویم اشتراکی، ریزرو زمانی وضعیت و ابزارهای ارتباطی غیرهمزمان می‌تواند بین این شکاف زمانی را پلزند. هدف، اطمینان یافتن از این موضوع است که همکاران به افراد دیگر بهتر متوجه می‌شوند.

۲- از اعمال انصاف در شغل‌های مختلف مطمئن شوید. شیفت‌های کاری سرد را به سادگی می‌توان از کارکنان ناشی اما پدیدرگر، اما برای کارکنان خادایه (کارکنان سفید) که کارهای فیزیکی را به کارکنان بی‌براهه می‌دهند، به اشتراک می‌دهند. به عنوان مثال، اگر کارکنان سفید به طور خلاقانه به این مساله پیش‌بینی که چطور می‌توانند انعطاف‌پذیری را برای کارکنان بی‌براهه و بسته‌های سازمانی مختلف فراهم کنند. شاید راهکارهایی مانند جابجایی شیفت کاری، جدول کار فشرده یا دست‌پا‌های هر صبح و استراحت قابل پیش‌بینی می‌تواند مزایای آن را تسهیل کند. هر چه باشد، هدف این است که انعطاف‌پذیری برای تمام کارکنان فراهم شود، نه فقط برای دسته‌های خاص و سبک‌های وظایفی مشخص بر عهده دارند.

۳- از فناوری برای حمایت استفاده کنید نه کنترل. اول لیزر برای برده است که هاینک ۸۰ پوند یک فرد اشغال از هوش مصنوعی در کار خود استفاده می کنند و ۵۱ درصد آنرا هوش داشته که توانایی محاسبه حجم هوش مصنوعی را به جای خود به جاست بفهرستند. شرکتهای آری توسل به نه برتر از هوش نظارتی، باید روی ابزارهایی سرمایه گذاری کنند که شیفتهای کاری خود را سهیل می کنند؛ ابزارهایی مانند زمان بندی مبتنی بر هوش مصنوعی، تدوین خلاصه جلسات به صورت ماشینی و دسترسی همدیگر هوشمند.

چرا سازمان‌ها باید تحول یابند؟

اهمیت انطباق با شیوه کار دلخواه کارکنان بسیار بیشتر از تصورات رهبران سازمانی است. دهه‌ها بود که افراد، دانشی خود را حول شیوه خودی شکل می‌دادند. اما کارکنان امروز، خواهش‌روریکردی معکوس هستند و کار را براساس زندگی و شرایط خود می‌خواهند. آنها برای رسیدن به خواسته‌های حاضرند بخشی از حقوق و مزایای خود را هم فدا کنند، کارفرمایانشان را عوض کنند یا در سکوت از میزبان انگیزه و مشارکت‌ناگهسته می‌شود.

در دهه‌های که در مقابل این واقعیت مقاومت کنند، چیزهایی بیش از سرشماری و آمار و ارقام از دست می‌دهند. آنها اعتماد، خلاقیت و وفاداری بهترین کارکنان خود را از دست خواهند داد. برنامه کاری ۵۶۹ تا ۵ عصر برای بیش از یک قرن، به اهداف خود خدمت کرده است؛ اما اکنون زمان تحول و دگرگونی آن رسیده است. فصل بعدی فرهنگ کار، هم‌اکنون در حال نگاشته شدن است؛ یک شیفت کاری خرد در هر بار.

ساعات داری انعطاف‌پذیر (یا شاور) سنتی که به افراد اجازه می‌داد به عنوان مثال به جای ۵ صبح، ۸ یا ۱۰ صبح در محل کار حاضر شوند، شیفت‌های خرد به کارکنان اجازه می‌دهد روز خود را بر اساس آنکه چه ساعتی از روز برپه‌روی بیشتری دارند یا زمانی مسوولیت‌های زندگی نیازمند توجه آنهاست، به بازه‌های کاری کوچک‌تر تقسیم کنند.

ساعت را برای رساندن یا برداشتن فرزندش به/از مدرسه یا سایر امور شخصی خود صرف کند، دوباره چند ساعت در عصر کار کند و سپس پیش از خواب از خانه آتلاین شود تا وظایف کاری‌اش را به سرانجام برسانند. برای کارکنان تخصصی، آزادی عمل مهم‌تر از برنامه کاری زمان‌بندی شده است و چندان اهمیتی ندارد که از کجا کارشان را انجام می‌دهند.

چرا کارکنان این تغییر را موجب می‌شوند؟
کارکنان فقط به دنبال شیفت‌های کاری خوب نیستند. آنها حاضرند برای این امتیاز، هزینه بپردازند. اول نیز در هفته که افراد شاغل حاضرند ۹ درصد از درآمد سالانه خود را برای اعطای پذیری در ساعات کار ۸ و ۹ درصد از درآمد سالانه‌شان را برای آنکه فقط ۴ روز در هفته کار کنند، داد فکند. این تغییر برای این اندازه حقوق و مزایا ارزش فکند، فست و البته دلیل خوبی برای آن‌گرش می‌باشد.

با توجه به آنکه ۴۲ درصد کارکنان شرکت کننده در نظرسنجی، وظیفه مراقبت از فرزندی در خانه دارند، اساتید خانگی ۶ تا ۵۴ با زندگی مدرن آنها منطبق نیست. والدین مدت‌هاست که مجبور به ایفای وظایفی هستند که به عنوان «شفیق دوم» یا شغل دوم آنها شناخته می‌شود. آنها باید در زندانشان از آن‌ها درس ببرند، نام تهیه کنند و به امور پیش از خواب برسند. پس از آنکه فرزندان به خواب رفتند، دوباره می‌توانند به وظایف شخصی خود رسیدگی کنند.

اما اکنون، ۶۸ درصد والدین نگرانند که مسوولیت‌های مراقبتی آنها ممکن است به عملکرد شغلی آنها آسیب بزند. این نگرانی در کارکنان حضوری و تمام‌وقت بیشتر است (۷۱ درصد) و کارکنان دور کار نگرانی کمتری دارند (۴۸ درصد). شیفت‌های کاری خرد، راهی برای مدیریت و ایجاد توازن بین هر دو دسته مسوولیت‌های کارکنان است، بی‌آنکه در یک سو دچار پرداخت وجدان شوند یا در سوی دیگر عملکرد شغلی‌شان را بیابند.

افزایش چندشغلی‌ها

فقط والدین نینسند که منجر به تغییر رویه‌های کاری رایج می‌شوند. از هر ۵۰ شاغل، ۱ نفر چند شغله است و باید در کنار شغل اصلی خود، چند مسوولیت جانبی را بر عهده بگیرد. با توجه به آنکه ۵۹ درصد از کارکنان، قریب‌ترای شغلی خود را در ساعات کاری سنتی می‌گذرانند، هم‌اینک، افزایش رویه‌های کاری کمرنگ شده است. شغلهای کاری، کودکان و تعاضل‌پذیری، فقط برای راحتی نینسند، بلکه ضروری شده‌اند.

اعتماد مهم‌تر از نظارت

شیوه کاری ۹ صبح تا ۵ عصر به سرعت زشت می‌بازد، در عصر کنونی دور کاری و کار ترکیبی، کارکنان بسیاری به این موضوع فکر می‌کنند که چگونه و چه زمانی کار کنند. آنها به جای آنکه زندگی خود را بر مبنای ساعت کاری ادست و انتظاف‌ناپذیر بچینند، ساختار کار را بر اساس نوع زندگی تعیین می‌کنند. آنها صبح‌ها زودتر بر سر کار می‌روند تا به اسمیل‌ها و مکانیازادان‌شان رسیدگی کنند. پس روز را بر مخصی ساعت‌ها برای ورزش یا برداشتن فرزندانشان از مدرسه استفاده می‌کنند و سپس پروژه‌هایشان را بعد از شام به پایان می‌رسانند. این روند کاری از ظهور که کیفیت‌های کاری خرد خوانده می‌شود، حاکی از شروع مرحله جدید در شیوه کار است که می‌تواند بنده آن را تعیین کند.

بر اساس گزارش ۲۰۲۵ شرکت فناوری‌های ارتباطی «اول لابس» (Owl Labs)، مدرسه‌های کار ترکیبی ۵۸ درصد از شاغلان دارای توانمندی‌های بیشتری در برنامه خود هستند. تغییر بزرگی دیگری توسط شرکت نرم‌افزاری «دپوتی» (Deputy)، پژوهش بزرگی در وضعیت کار ۲۰۲۵ ایالات متحده کشف کرد: شغلی‌های کار خرد، که قبلاً در محدوده کار کارکنان متخصصه و دانشی بود، به طور روزافزون قابل دیگر شاغلان مواجه می‌شود. به طور ویژه، شاغلان نسل زد امروزه برای خدمت، گرایش بسیاری به شغلی‌های کار خرد دارند (از آنجا که این طبقه بین مسئولیت‌های کاربردی خود از خریدار و کارکنان) و تحصیلات، مشاغل، چندگانه‌شان؛ تعادل، ایجاد کنند.

مدل کاری قدیمی با ساعات کاری اداری مشخص (موسوم به ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر) دیگر جوابگوی نیازهای نیروی کار مدرن نیست. رهبران سازمانی به دلایل مختلف (که در ادامه به آنها می‌پردازیم) باید به جای مقاومت و مبارزه با این روند، به کارکنان خود اعتماد کنند تا بهترین استعدادهای سازمانی خود را از دست ندهند.

چرا مدل کاری ۹ تا ۵ نتیجه نمی‌دهد؟

روزهای کاری ۹ تا ۵ میراثی از انقلاب صنعتی است. این مدل کاری، برپای کارگران خط تولید کارخانه طراحی شده بود. در آن زمان، برپای روی کارگران بر اساس ساعات کاری آنها و تعداد قطعات تولیدیشان اندازه‌گیری می‌شد. اما در خط تولید و مدل کار تخصصی و علمی انجام نمی‌شود. با این حال، بسیاری از شرکت‌ها هنوز اصرار دارند که کارکنانشان باید به‌دقت کار خود را بکنند. گزارش اول لیزر حاکی از آن است که اکنون ۶۳ درصد کارکنان شرکت‌ها، به‌صورت، بی‌موفق کار می‌کنند.

حتی بین کارکنانی که جدول کاری ترکیبی دارند، روزهای کاری
حضور در حال افزایش است. پدیده‌ای که به نام کار ترکیبی «hybrid
(hybrid creep)» نام‌گذاری شده، حاکی از کاهش انتظاف در
نامه کاری ترکیبی است؛ به شکلی که همین کارکنان ۳۴ درصد شاغلان
دارای کار ترکیبی باید ۴ روز در هفته حضوری کار کنند. این نسبت
در سال ۲۰۲۳، ۶۰۰۰۰ کارکن خود به دورتر از شرکت‌ها در تاش-
کی شاندان کار می‌کردند. ۲۳ درصد فاکتور کار هستند، کارکنان خود را عقب
می‌برند و نمی‌پذیرند که به‌په‌روی‌شان از ساعت به آنها بگفته.
در حالی که

شیفت کاری خرد چیست؟
شیفت کاری خرد به معنای شکستن روزهای کاری به بازه‌های
مانی کوتاه‌تر و انعطاف‌پذیر به جای ۸ ساعت کار ممتد است. برخلاف

چشم‌انداز تارک رشد اقتصادی

دکتر مهرداد سپهوند

اقتصاددان



اخیراً صندوق بین‌المللی پول، اقدام به انتشار گزارش شبه‌مبادلات اقتصادی جهان در ماه اکتبر کرده است. در حالی که سال گذشته، این نهاد بین‌المللی برای سال ۲۰۲۵ تلهای جهانی پنهان‌باشت و روندی رویه‌ورق را برای رشد اقتصادی جهانی پیش‌بینی می‌کرد، در اکتبر امسال، بنابر برآورد رسمی صندوق، شاهد موج شدن آن خوش‌بینی‌ها و انتظار یک روند کاهشی برای اقتصاد جهان هستیم. دلایل این امر، دقیق گزارش چشم‌انداز صندوق، قبل از هر چیز، به‌وجه سیاست‌های اقتصادی ترامپ است. سیاست‌هایی که جنگ تعرفه‌ای و حمایت‌گرایی را امان زده، نااطمینانی را افزایش داده و به پیوستگی تجزیه‌ر تأمین در برابر سازش آسیب وارد کرده است.

[illegible]

جالب توجه‌ترین آن شاید افزایش دوپرابری رشد اقتصادی عرسران باشد که نرخ آن از ۴ درصد به ۱۴ درصد کاهش رسیده. با وجود این، مطابق با برآوردهای این گزارش، مزایای رشد شامل همه کشورهای صادرکننده نخواهد بود. به عنوان مثال، برای ایران که علاوه بر سیاست‌های رشد حاکمیتی توسط دولت ترامپ، به تنش‌های امنیتی در منطقه و مخاطرات اسپنک روبرو است، این گزارش بدبینانه‌تر است. کاهش در رشد را بین کشورهای صادرکننده نفت شیئی می‌داند و مطابق شیئی‌بینی این، انتظار می‌رود ایران سال جاری میلادی، کشور ما تنها یک رشد ۰.۶ درصدی را تجربه کند. حال آنکه رشد اقتصادی در سال گذشته میلادی برای ایران حدود ۲.۷ درصد بوده است. جالب توجه آنکه رشد که برخی خبرگزاری‌های داخلی، صرفاً با ادبیاتی که نرخ رشد پیش‌بینی شده در این گزارش را یکی بیشتر از برآورد اولیه در ماه آوریل مساله بوده، از چنین تحول ناخوشایندی اظهار خوشحالی و شغف کرده‌اند. آن را اعتراضی از سوی این نهاد بین‌المللی به بی‌ثباتی اقتصادی دانسته‌اند؛ غافل از آنکه افزایش انجام این برآوردها و کنترل نتایج و همچنین داده‌های مورد استفاده، با نوعی تعصبی که آنها تصور می‌کنند به‌روزرسانی نمی‌شود و تأثیر واردی از این دست، هنوز در ذهن آنها منعکس نشده است. و نیاز به زمان در اختیار قرار از بحث پیش‌بینی‌ها، مارا و ارقام واقعی که مرکز آمار منتشر کرده، نشان می‌دهد. رشد اقتصادی در فصل بهار منفی شده است. ثالثاً، برآوردهای صندوق بین‌المللی پول تنها برآوردهای موجود در روند اقتصادی در آینده نیست.

پیش‌بینی‌های «مرکز پژوهش‌های ملی و اقتصادی» نیای اقتصاد» که مدتی است با صندوق ملی و مشابه صندوق‌های کار رفته در نهادهای معتبر بین‌المللی و زیر اقتصاددانان برجسته و مطرح کشور برای اقتصاد ایران جام می‌شود، برای پایان سال جاری میلادی که مطابق پایان فصل پاییز است، حاکمیت از منفی شدن نرخ رشد ایران در نظر دارد. یادآوری می‌شود این پیش‌بینی‌ها توسط مرکز در دوره‌های معامله انجام شده و پیش‌بینی‌های غیرماتر مولفه‌های مهم اقتصاد کلان برای چهار فصل آینده را به دست می‌دهد. در این بررسی‌ها و روش کار کاملاً علمی و فزاینده از هرگونه سوگیری سیاسی و با استفاده از رایج‌ترین روش مدل‌های کلان‌سجی است. نشان‌دهنده آن است که در دوره‌های گذشته، نتایج پیش‌بینی‌های این مرکز، قابل مقایسه با برآوردهای صندوق بین‌المللی پول بوده و نسبت به آن، خطاهای پیش‌بینی عمدتاً به سمت کاهش خرید مدیران اشاره کرد که نشان می‌دهد اثرزایی افران صنعتی از وضعیت سفارش‌دهی بدبینانه بوده، چنان‌که این شاخص به زیر عدد ۵۰ افت کرده و وضعیت بدبینانه‌ای نشان می‌دهد.

واقعیت آن است که نگرانی از ورود کشور به یک دوره شکوفایی باید جدی گرفته شود. در سال‌های گذشته هرچند رشد اقتصادی از کیفیت مطلوبی برخوردار بوده اما به لحاظ رفاه در مجموع شاهد رشد اقتصادی مثبت نبودیم. اما وضعیت اکنون تغییر کرده است و محدودیت در دسترسی به منابع ارزی و ناپایداری ارز و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، منجر شود در وضعیت بحرانی قرار داده شود. بعید به نظر نمی‌رسد که ما مانند گذشته با افزایش محدودیت‌ها رشد کافی و پویای بخش نفت خام و گاز طبیعی بتوانیم. این بخش انتظار داشت مانند گذشته بار کاهش نرخ در بخش‌های دیگر را به دوش بکشد.

نتیجه آنکه بدون ترمیم روابط بین الملل و انجام اصلاحات ساختاری عمیق در داخل در حوزه‌های مهم انرژی، آب، بانکی و سرمایه‌گذاری و همچنین توسعه فضای اقتصادی، اقتصاد ایران همچنان در وضعیت فرسایشی درمی‌ماند و باید خواهد ماند و معیشت استند وارد یک دوره نئوسمدت رکودی شود. درک واقعیت‌ها مهم‌گونه که به‌یاد می‌آید به‌جای تفسیر‌ها مناسب دانفته سیاسیون، از این جهت اهمیت دارد که بدون درک درست از ابعاد مشکلات، می‌تواند به‌پایان‌دیشی و انجام اصلاحات برای برون رفت از این شرایط منجر شود.

▼پشت‌صحنه فروش جدید وارداتی‌ها

مدیر طرح واردات خودرو وزارت صمت،روز گذشته اعلام کرد که متقاضیان خودروهای وارداتی تا روز چهارشنبه (۳۰ مهر ۱۴۰۴) برای وکالتی‌کردن حساب خود به مبلغ ۵۰۰میلیون تومان فرصت دارند.

ثبت‌نام جدید واردات خودرو آن هم در شرایطی که تعهدات قبلی هنوز بلا تکلیف است، سبالات بی‌شماری در راستای اهداف سیاستگذار خودرو در این زمینه مطرح می‌کند.به‌طوری‌که با گذشت نزدیک به هفت ماه از سال جاری و بلا تکلیفی و سردرگمی واردات، وزارت صمت با چه هدف و ایدهای ثبت‌نام جدیدی برای واردات خودرو آغاز کرده است؟ آنچه مشخص است فروش وارداتی‌ها موضوعی چندوجهی است که هم ابعادی کلان دارد و هم مربوط به تنظیم‌گری بازار می‌شود.

ثبت‌نام جدید واردات خودرو در یک برهه‌ریختگی کج‌سایقه به سر می‌برد.این در حالی‌است که بخشی از این آشفتنگی به واردات مربوط می‌شود. هنوز تعرفه واردات به دلیل کشمکش میان دولت و مجلس مشخص نیست و با رای مقدماتی که هیات تطبیق مقررات مجلس در شهریورماه صادر کرد، وارد مرحله حساسی شده است. با وجود اعلام فهرست خودروهای وارداتی، هنوز ثبت‌سفارشی در سال جاری انجام نشده و به‌رغم پافشاری سازمان گمرک بر رشد ۱۶ درصدی ورود خودروهای خارجی در ۶ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، ارقام اعلامی مربوط به خودروهایی است که سال گذشته ثبت‌سفارش شده‌اند.

از سوی دیگر، در حالی مهدی ضعیفی، مدیر طرح واردات خودروی وزارت صمت از فرصت نهایی وکالتی کردن حساب خودروهای وارداتی خبر داده که هنوز جزئیات خودروهای وارداتی مانند مدل، قیمت یا کلاس آنها مشخص نیست. در واقع در حالی هنوز فهرست خودروهای وارداتی این دوره مشخص نیست که متقاضی بدون اطلاع از شرایط جدید، باید مبلغی را بستنیز با آن نیز بلوکه کند. بنابراین در شرایطی این نوع فروش به ظاهر رسمی زیر چتر مجوزهای وزارت صمت انجام می‌شود که در عمل به معنای سلب حق انتخاب از مشتری است. خریدار نه می‌داند چه می‌خرد و نه می‌تواند در برابر تغییر قیمت یا تاخیر در تحویل اعتراض کند. با این اوصاف، این پرسش اساسی برای افکار عمومی ایجاد شده که دلیل پافشاری وزارت صمت بر این شیوه فروش چیست؟

تبلطیگران بر این باورند که هدف وزارت صمت می‌تواند انتقال سرمایه‌ها از بازارهای ارز و طلا به سمت بازار خودرو باشد.سیاستگذار در این روش پوشش ریسک نوسانات ارزی را دنبال می‌کند. در واقع جمعاً آوری سرمایه‌ها به دولت کمک می‌کند تا بخشی از ریسک‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز را تا زمان تحویل نهایی خودرو مدیریت کند، اگرچه این موضوع به‌طور کامل شفاف‌سازی نشده است.

همچنین صاحب‌نظران، کنترل تورم انتظاری را دلیل دیگری برای در پیش گرفتن رویه از سوی وزارت صمت عنوان می‌کنند.بلوکه شدن موقت این حجم از پول در بانک‌ها، برای یک دوره مشخص، می‌تواند تا حدودی از سرعت گردش پول در جامعه بکاهد و به صورت کوتاه‌مدت، انتظارات تورمی را در بخش‌های دیگر اقتصاد تعدیل کند. بنابراین به نظر می‌رسد اصرار وزارت صمت بیشتر معطوف به اهداف تنظیم‌گری بازار و تسهیل فرآیند تامین مالی در شرایط کمبود منابع ارزی و پیچیدگی‌های دوره تحریم باشد، حتی اگر این کار به قیمت سلب حق انتخاب و افزایش ریسک برای مصرف‌کننده تمام شود.

■ ■

▼ فرار مالیاتی فرامرزی

فرار مالیاتی فرامرزی یکی از چالش‌های پیچیده و جهانی نظام‌های مالیاتی در قرن حاضر است. در این پدیده، مودیان با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و امکانات مالی بین‌المللی، درآمد یا دارایی خود را از دید نظام مالیاتی کشور مقبوع پنهان می‌کنند. رشد به‌اصطلاح «بهشت‌های مالیاتی» و ضعف همکاری میان کشورها، این روند را تسهیل کرده است. مقاله حاضر با تمرکز بر مبانی حقوقی، اقتصادی و اجرایی مباحث به فرار مالیاتی فرامرزی، نقش همکاری‌های بین‌المللی، فناوری‌های نوین و اصلاح ساختارهای داخلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان، راهکارهایی برای تقویت شفافیت مالی و عدالت اقتصادی ارائه می‌دهد.

مالیات به عنوان یکی از ارکان اصلی تامین بودجه عمومی، نقشی حیاتی در تحقق عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی دارد. با این حال، در عصر جهانی‌شدن و گسترش تبادلات مالی، دولتها با پدیده‌ای مواجه شده‌اند که مرز نمی‌شناسد: فرار مالیاتی فرامرزی. در این پدیده، مودیان از شبکه‌های پیچیده شرکت‌های صوری، حساب‌های خارجی و خلأهای قانونی میان کشورها استفاده می‌کنند تا از پرداخت مالیات طفره روند. نتیجه آن کاهش منابع مالی دولتها، تضعیف عدالت مالیاتی و بی‌اعتمادی عمومی است. در کنار این موضوع، مناطق در جهان وجود دارند که با عنوان «بهشت‌های مالیاتی» شناخته می‌شوند؛ مکان‌هایی که با نرخ مالیات صفر و محرمانگی بانکی، زمینه را برای پنهان‌سازی دارایی‌ها فراهم می‌کنند. در چنین شرایطی، همکاری بین‌المللی میان کشورها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تبادل اطلاعات مالی، به ضروری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. مفهوم و ابعاد فرار مالیاتی فرامرزی فرار مالیاتی (Cross-border Tax Evasion) رفتاری عمدی است که در آن مودی با جابه‌جایی سرمایه، درآمد یا دارایی خود به کشور دیگر، از شمول قوانین مالیاتی کشور مبدا خارج می‌شود. این رفتار ممکن است.



یارانه حمایتی به مقصد نامعلوم

مریم لطفی طرح کالابریگ الکترونیکی تاکنون در چهار مرحله به اجرا در آمده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت برای بهبود معیشت اقشار کم‌درآمد شناخته می‌شود.

طرح کالابریگ الکترونیکی در حال اجراست.

با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این طرح و سایر برنامه‌های مشابه، با وجود صرف منابع مالی قابل‌توجه، در تحقق کامل اهداف خود چندان موفق نبوده‌اند. داده‌های آماری حاکی از کاهش سرانه مصرف کالری در کشور طی سال‌های اخیر است که بیانگر تداوم فشار

اقتصادی بر خانوارهاست. افزایش نرخ تورم، دشواری در شناسایی دقیق گروه‌های هدف و تغییر در الگوی مصرف از جمله چالش‌های اساسی این طرح عنوان شده‌اند. براساس گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس، کمبود برخی کالاها در فروشگاه‌ها، محدود بودن اقلام مشمول کالابریگ به ۱۱ قلم، صف‌های طولانی و تعداد اندک فروشگاه‌های طرف قرارداد از مهم‌ترین موانع اجرای موفق این طرح هستند. همچنین، به دلیل قیمت بالای مرغ و گوشت، بسیاری از خانوارها امکان خرید این اقلام را نداشته و عمدتاً کالاهای اساسی‌تری همچون روغن، قند و شکر را از طریق کالابریگ تهیه کرده‌اند.

روغن، قند و شکر بیشترین کالاهای خریداری شده با کالابریگ بوده اند؛ اما از مرغ و گوشت به دلیل قیمت بالا کمتر استفاده شده است طرح کالابریگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، با هدف جلوگیری از بروز کمبود کالری در میان اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد، اجرا شده است. این طرح از دی‌ماه ۱۴۰۱ به صورت آزمایشی آغاز شد و تا اردیبهشت ۱۴۰۳ ادامه یافت. پس از وقفه‌ای دهم‌ماه، اجرای آن مجدداً از اسفندماه ۱۴۰۳ از سر گرفته شد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین سرانه مصرف کالری در کشور از ابتدای دهه ۱۳۹۰تاکنون روندی نزولی داشته است؛ به بیان دیگر، با وجود چالش‌های تامین‌مالی این طرح و افزایش مبلغ پرداختی، عمق مساله فقر کالری در ایران افزایش یافته است.

فقر کالری یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که به دلیل پیامدهای بلندمدت و اثرات گسترده‌ای بر سلامت و بهروری افراد جامعه همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. در

سال‌های اخیر، نابسامانی‌های کلان اقتصادی، تحریرها و تورم بالا و مرزم باعث کاهش قدرت خرید خانوارهای ایرانی شده است و این فشار اقتصادی به تدریج بر سرفه خانوادها نیز تأثیر گذاشته است. در مرحله نخست، خانوارها برای مقابله با مشکلات مالی، کالاها و خدمات غیرضروری را از سبد مصرف خود حذف کردند و نسبت هزینه‌های خوراکي از کل هزینه‌ها را افزایش دادند. با گذشت زمان، حتی دسترسی به مواد غذایی ضروری نیز با چالش مواجه



سوخت سیاسی فلز زرد

افزایش و تداخل نهادهای تنظیم‌گر خودرو، طی یک دهه گذشته به یکی از عوامل اصلی برهم‌خوردن تعادل بازار و تداوم نابسامانی‌ها به‌خصوص در حوزه قیمت تبدیل شده است.به تعبیری تعدد نهادهای تنظیم‌گر در بخش خودرو، سال‌هاست به عاملی تبدیل شده که خود، تعادل بازار را به‌کلی بر هم زده است.

طبق برآوردها بالای ۲۰ نهاد مختلف در حوزه خودرو تصمیم‌گیر هستند. نهادهایی که گاهی با هم اختلافات جدی پیدا می‌کنند. با بارها شاهد این بوده‌ایم که یک نهاد تصمیمی در حوزه خودرو گرفته، اما نهاد دیگری وارد شده و این تصمیم را نقض کرده است. در عمل تصمیم‌گیران و تنظیم‌گران مختلف صنعت و بازار خودرو تعامل چندانی باهم ندارند و به شکل موازی دست به تصمیم‌سازی در این حوزه می‌زنند.

بنابراین در فضای آشفته سیاستگذاری صنعت خودرو در کشور، شاید هیچ مساله‌ای به اندازه تعدد تصمیم‌گیران و تداخل وظایف میان نهادهای مختلف تصمیم‌گیر در حوزه خودرو به فروپاشی انسجام نهادهی منجر نشده باشد. در این زمینه گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس تحت عنوان «بایسته‌های ایجاد تنظیم‌گرهای بخشی در ایران» با تمرکز بر رابطه میان شورای رقابت و نهادهای تنظیم‌گر بخشی(مانند سازمان ملی استاندارد، سازمان حفاظت محیط‌زیست و…) نشان داده که در صنعت خودرو، ساختار تنظیم‌گری به جای آنکه شفاف، تخصصی و مستقل باشد، به شبکه‌ای درهم‌تنیده از تصمیم‌گیران پرانکند و متعارض تبدیل شده است. وزارت صمت، شورای رقابت، ستاد تنظیم بازار، سازمان حفاظت از محیط‌زیست، سازمان حمایت، سازمان استاندارد، شورای اقتصاد، بانک مرکزی و ده‌ها نهاد دیگر هر یک بخشی از این بازل را در اختیار دارند. بدین ترتیب آنچه حاصل این کثرت نهادهی است، نه تنظیم‌گری بلکه آشفتنگی است.

در این میان، شورای رقابت طی یک دهه اخیر به یکی از بازیگران اصلی این صحنه بدل شده است. فعالیت شورای رقابت از سال ۹۱ با تکیه بر انحصاری بودن بازار خودرو آغاز شد، اما در ادامه تعارضات در حوزه خودرو افزایش یافت. یک مثال در باب تعارض تصمیم‌گیری در این بازار، قیمت‌گذاری خودروهای وارداتی بود، اردیبهشت ماه امسال شورای رقابت اعلام کرد که بازار خودروهای وارداتی دیگر انحصاری نیست و دیگر مشمول دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری نباید شوند.

بنابراین تصور بر این بود که نقطه پایانی روی قیمت‌گذاری دستوری خودروهای وارداتی گذاشته شده است. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد کاملاً متفاوت بود. دولت باز هم برای این دست از خودروها دست به قیمت‌گذاری زد، با این تفاوت که این قیمت‌ها دیگر مصوب شورای رقابت نبودند بلکه با استناد به اختیارات قانونی ستاد تنظیم بازار تصویب شده بودند. تعارض بین نهادهای مختلف تصمیم‌گیر به راحتی در این مثال قابل مشاهده است.

با این حال، ریشه این ناهماهنگی صرفاً در اختلاف دیدگاه‌ها نیست، بلکه در معماری نهادهی تصمیم‌گیری نهفته است. صنعت خودرو در ایران فاقد «تنظیم‌گر بخشی مستقل» است؛ نهادهی که در سایر کشورها وظیفه دارد با آنگا به دانش فنی و اقتصادی، چارچوب مقررات را تدوین و از اجرای آن اطمینان حاصل کند. نبود چنین نهادهی باعث شده نقش تنظیم‌گری میان نهادهای مختلف تقسیم شود و هر یک بر اساس برداشت خود از قانون عمل کند. در این میان، شورای رقابت و وزارت صمت دو نهاد کلیدی‌اند که مرز وظایفشان به‌روشنی تعریف نشده است. یکی مامور حفظ رقابت است و دیگری مامور توسعه صنعت، اما در عمل هر دو در حوزه قیمت‌گذاری و سیاست بازار فعالیت.

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس، تلاش کرده تا منظر نهادهی به این مساله بپردازد و

اتریشی، تمرکز خود را بر دهک‌های پایین درآمدی، معطوف کرد. در این مرحله علاوه بر یارانه نقدی معمول، مبلغی به‌عنوان یارانه تشویقی برای خرید کالاهای اساسی در نظر گرفته شد. این شیوه که با هدف کاهش فشار تورمی بر معیشت خانوارهای کم‌درآمد طراحی شده بود، تا نیمه مرداد ۱۴۰۲ ادامه داشت و پس از آن میزان یارانه خرید کالاهای اساسی برای گروه‌های هدف افزایش یافته و از ۸۰ هزار تومان به ۱۲۰ هزار تومان رسید.

در ادامه و با هدف بازطراحی سیاست حمایتی دولت، طرح جدیدی با عنوان «فجرانه» در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ جایگزین مدل پیشین کالابریگ شد. مرحله نخست اجرای طرح فجرانه از بهمن ۱۴۰۲ و تا اردیبهشت‌ماه سال گذشته ادامه یافت. در این نسخه جدید، دولت تلاش کرد دامنه پوشش و میزان اثرگذاری طرح را گسترش دهد؛ به همین منظور، مبلغ یارانه کالاهای اساسی و تعداد فروشگاه‌های طرف قرارداد افزایش یافت. همین موضوع باعث استقبال بیشتر از این طرح شد. با این حال، طرح به دلیل فشارهای مالی و مشکلات تامین منابع، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ متوقف شد. طرح کالابریگ از اسفندماه سال گذشته پس از وقفه تقریباً ۱۰ ماه مجدداً آغاز شد. در این طرح یارانه ۵۰۰ تومانی به دهک‌های اول تا سوم و یارانه ۲۵۰ تومانی به دهک‌های چهارم تا هفتم پرداخت شد. این طرح تاکنون در چهار مرحله اجرایی شده است و طبق اعلام مسوولان مربوطه مرحله پنجم کالابریگ در آبان‌ماه پرداخت خواهد شد.

کالابریگ الکترونیک از شتاب تورم عقب‌ماند
به‌رغم اجرای طرح کالابریگ به‌عنوان ابزار اصلی دولت برای حمایت از معیشت اقشار کم‌درآمد، شواهد نشان می‌دهد این اقدامات، نتوانسته‌اند از گسترش فقر کالری در کشور جلوگیری کنند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میانگین سرانه مصرف کالری در ایران از سال ۱۳۹۰ تاکنون روندی کاهشی داشته است. در سال ۱۴۰۱ میزان مصرف کالری سرانه به حداقل کالری مورد نیاز برای هر فرد رسید و در سال‌های بعد حتی از این سطح نیز پایین‌تر آمده است؛ موضوعی که بیانگر کاهش توان خانوارها در تامین مواد غذایی مورد نیازشان در پی کاهش قدرت خرید است.

کارشناسان اقتصادی، تورم بالا به‌ویژه در گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها را یکی از اصلی‌ترین دلایل ناکامی سیاست‌های حمایتی در بهبود وضعیت مصرف کالری می‌دانند. بر اساس داده‌های رسمی، نرخ تورم نقطه‌نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در شهریورماه سال جاری به ۵۷.۹درصد رسیده است؛ رقمی که نشان می‌دهد رشد قیمت مواد غذایی با سرعتی بسیار بیشتر از افزایش مبلغ یارانه‌ها پیش می‌رود. به اعتقاد کارشناسان، ناکافی بودن مبلغ یارانه تخصیصی و عقب‌ماندن آن از روند تورم، موجب شده اثر حمایتی این سیاست‌ها بر معیشت خانوارها بسیار محدود باشد. در همین راستا، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بررسی دیدگاه مسئولان طرح کالابریگ اعلام کرده است تنها ۸.۷درصد از افراد، مبلغ اختصاص‌یافته در کالابریگ الکترونیک را برای تامین نیازهای غذایی خود کافی دانسته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که استمرار رویکردهای فعلی، نمی‌تواند به بهبود معنادر وضعیت تغذیه و رفاه خانوارهای کم‌درآمد منجر شود. همچنین در این گزارش تنها ۱۶.۴درصد از مشمولان عنوان کرده‌اند که تنها با یارانه نقدی و کالابریگ نیازهای مصاد غذایی ضروری خود را تامین می‌کنند و ۵۶درصد از افراد عنوان کرده‌اند که بیشتر با درآمد شخصی خود مواد غذایی ضروری را خریداری کرده‌اند.

شناسایی نادرست مشمولان و هزینه‌های بالای زندگی
یکی دیگر از عواملی که کارشناسان آن را از دلایل اصلی ناکامی طرح کالابریگ در تحقق اهداف حمایتی می‌دانند، ضعف در شناسایی دقیق خانوارهای هدف است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به این موضوع اشاره شده و نتایج نظرسنجی انجام‌شده نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از مشمولان طرح، نظام شناسایی و دهک‌بندی اقتصادی خانوارها را ناکارآمد ارزیابی کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این گزارش ۶۵درصد از مشمولان دهک‌بندی اقتصادی خانوارها از سوی دولت را غیردالانه دانسته‌اند. افزون بر این ۲۷.۸ درصد از مشمولان اعلام کرده‌اند که در میان اطرافیان خود افرادی را می‌شناسند که کالابریگ دریافت کرده‌اند، در حالی‌که مستحق آن نبوده‌اند.

یکی دیگر از دلایلی که باعث شده طرح کالابریگ در تحقق اهداف خود چندان موفق عمل نکند، تفاوت در ترجیحات خانوارها و فشار بالای سایر هزینه‌های زندگی است. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ۴۸.۹ درصد از مشمولان در پرسشنامه اعلام کرده‌اند ترجیح می‌دهند به جای اقلام مشخص شده در کالابریگ، امکان انتخاب سایر مواد خوراکی نیز برایشان فراهم باشد. همچنین ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان خواستار دریافت مبلغ نقدی به جای کالابریگ بوده‌اند. از طرفی ۵۱ درصد افراد محدودیت کالابریگ به ۱۱ قلم کالا را یکی از مشکلات اصلی طرح عنوان کرده‌اند. از سوی دیگر، هزینه‌های جانبی بالا شامل اجاره مسکن، خدمات درمانی و حمل‌ونقل، فشار زیادی بر قدرت خرید خانوار وارد کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به فشارهای اقتصادی و سنگینی سایر هزینه‌ها، خانوارها مواد غذایی مصرفی خود را در همان سطح حداقلی گذشته نگه داشته‌اند. به عبارتی بخشی از هزینه‌های خود را که پیش از دریافت کالابریگ به مواد غذایی اختصاص می‌دادند را پس از دریافت کالابریگ به سایر اقلام اختصاص داده‌اند. این موضوع موجب شده که میزان کالری مصرفی خانوارها تغییر چندانی نکند و طرح کالابریگ اثرگذاری بالایی بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای نداشته باشد.

بازار طلا در روزهای اخیر بار دیگر شاهد نوسانات چشم‌گیر بوده و در معاملات روز گذشته قیمت‌ها با رشد همراه شد. طلا و نقره به دلیل افزایش تقاضای دارایی امن، با رشد قیمتی وارد تعطیلات آخر هفته شدند. این افزایش در شرایطی رخ داد که نوسانات برای سومین روز متوالی در تعطیلی به سر می‌برد و چشم‌اندازی برای پایان آن دیده نمی‌شود. اختلاف شدید بین دولت ترامپ و دموکرات‌ها بر سر بودجه و تهدید رئیس‌جمهور برای اخراج کارکنان فدرال، احتمال طولانی‌تر شدن این تعطیلی را افزایش داده است. در همین حال، بازارهای سهام جهانی وضعیت متفاوتی داشتند و شاخص‌های آمریکا آماده بازگشایی در سطوح بالای تاریخی بودند. خبر دیگری که بر بازار انرژی اثر گذاشت، انفجار و آتش‌سوزی در پالایشگاه شرکت شورون در لس‌آنجلس بود؛ پالایشگاهی که بخش مهمی از سوخت خودرو و هواپیما در جنوب کالیفرنیا را تامین می‌کند. این حادثه باعث رشد اندک قیمت نفت شد که بیش‌تر به پایین‌ترین سطح چهارماهه رسیده بود. در بازارهای دیگر، شاخص دلار آمریکا اندکی کاهش یافت و بازده اوراق خزانه‌داری ۱۰ ساله آمریکا حدود ۴.۹ درصد ثبت شد. از منظر تکنیکال، روند کوتاه‌مدت طلا همچنان صعودی به‌آورد می‌شود. هدف بعدی خریداران، عبور از مقاومت کلیدی ۴۰۰۰ دلار در هر اونس است، درحالی‌که حمایت مهم در سطح ۳۷۵۰دلاری قرار دارد. اولین مقاومت در ۳۹۳۲ دلار و سپس ۳۹۵۰ دلار دیده می‌شود. در مقابل، نخستین حمایت در ۳۸۶۱ دلار و سپس ۳۸۴۲ دلار است.

موتور اختلاف در صنعت خودرو



نشان دهد چگونه نبود تقسیم کار روشن میان نهادهای تنظیم‌گر و نظارتی، زمینه‌ساز تصمیمات متعارض و ناکارآمدی در بازارهایی مانند خودرو بوده است.

تعارض نهادهی در تنظیم بازار خودرو

اما نگاهی داشته باشیم به جزئیات گزارش بازوی پژوهشی مجلس و راهکارهایی که برای حل این تعارضات نهادهی پیش رو قرار داده است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، با بررسی جایگاه شورای رقابت و وزارت صمت، معدن و تجارت در سیاستگذاری بخش خودرو، به نهادهای موازی در تصمیم‌سازی این صنعت پرداخته است. بر اساس این پژوهش، از سال ۱۳۹۱ که شورای رقابت با تشخیص انحصاری بودن بازار خودرو وارد فرآیند قیمت‌گذاری شد، ساختاری شکل گرفت که در آن وظایف سیاستگذاری، تنظیم‌گری و نظارت درهم آمیخت و هیچ نهاد واحدی مسوول نهایی تصمیمات نبود.

این تصمیم در آغاز با هدف افزایش شفافیت و جلوگیری از رفتارهای ضد رقابتی اتخاذ شد، اما در غیاب سازوکار هماهنگ میان شورا و وزارتخانه، به تداخل در صلاحیت‌ها انجامید.

در آن سال‌ها، وزارت صمت خود را متولی اصلی صنعت خودرو می‌دانست و از طریق سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و ستاد تنظیم بازار، چارچوب قیمت‌گذاری و سیاست‌های عرضه را تنظیم می‌کرد. شورای رقابت اما با استناد به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بازار خودرو را مصداق انحصار تشخیص داد و برای تعیین قیمت‌ها فرمولی ارائه کرد که مبنای تصمیمات بعدی قرار گرفت. در همین حال، ستاد تنظیم بازار نیز در مقاطع مختلف بنا به تصمیمات دولت وقت، در فرآیند قیمت‌گذاری ورود کرد.

به این ترتیب، سه مرجع هم‌زمان در حال تصمیم‌سازی برای یک بازار واحد بودند، بی‌آنکه میان آنها مرزبندی یا هماهنگی مشخصی وجود داشته باشد. البته شورای رقابت از سال ۹۱ تاکنون دوبار رفت و برگشت داشت که خود نشانگر میزان زیادی از بلا تکلیفی در سیاستگذاری خودرو است. مرکز پژوهش‌ها در تحلیل خود تاکید می‌کند که تداخل ماموریت‌ها از خلأ ساختاری در نظام تنظیم‌گری ناشی می‌شود. تاکید می‌کند که نظام مطلوب، نهاد تنظیم‌گر بخشی باید به طور مستقل و با پشتوانه قانونی روشن، سیاست‌های مربوط به بازار را طراحی و اجرا کند و نهاد رقابت، صرفاً به نظارت بر رفتارهای ضد رقابتی و انحصار بپردازد. در ایران اما وزارت صمت در عمل هم سیاستگذار و هم تنظیم‌گر است و شورای رقابت نیز بخشی از وظایف تنظیم‌گر را برعهده گرفته است. در نتیجه، هم‌پوشانی ماموریت‌ها موجب شده تصمیمات شورا و وزارتخانه گاه در جهت مخالف هم قرار گیرد.



طرح کالابریگ الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت، با هدف جلوگیری از بروز کمبود کالری در میان اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد، اجرا شده است.

♥ تغییرات اساسی در حجم مبنای بازار پایه فرابورس

بازار پایه فرابورس ایران، که همواره به عنوان بازاری با نقدشوندگی پایین و چالش‌های متعدد شناخته می‌شود؛ به‌تازگی شاهد تغییرات مهمی در سازوکار حجم مبنایست که از نوزدهم مهرماه‌اعمال خواهد شد. این تغییرات، با هدف ایجاد تعادل میان واقعیت معاملات و ارزش بازار سهام، می‌تواند نقطه عطفی در اصلاح روند معاملاتی نمادهای کم‌معامله و پرنوسان باشد.

حجم مبنای به عنوان یکی از ابزارهای کنترلی در بازار سرمایه ایران، از سال‌های گذشته مورد بحث کارشناسان و فعالان بازار بوده است. پیش از این، حجم مبنای سهام بازار پایه بر اساس سرمایه پایه شرکت تعیین می‌شد؛ رویکردی که در شرکت‌های دارای سرمایه بزرگ اما شناوری پایین، فاصله میان حجم مبنای و معاملات واقعی سهم را افزایش می‌داد و عملاً مانع از کشف قیمت منصفانه می‌شد. در چنین شرایطی، سهامداران خرد بارها از قفل شدن دارایی‌های خود در نمادهای بازار پایه گلایه کرده و شرکت‌ها نیز در جذب سرمایه و تامین مالی با مشکل مواجه بودند.

با این حال، فرابورس ایران اخیراً فرمول تازه‌ای برای محاسبه حجم مبنای پویا معرفی کرده است؛ فرمولی که به جای اتکای صرف به سرمایه پایه شرکت، بر اساس معاملات واقعی و میزان سهام شناور آزاد طراحی شده و ماهیت پویا دارد. بر اساس اعلامیه رسمی فرابورس، این فرمول از ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ اجرایی می‌شود و هدف اصلی آن، انعطاف‌پذیری بیشتر در محاسبه حجم مبنای و ارتقای نقدشوندگی است.

سازوکار جدید حجم مبنای در سازوکار جدید، حجم مبنای به سه حالت تقسیم می‌شود: اولین حالت مربوط به سهام پرمعامله است؛ اگر میانگین روزانه معاملات سهم در یک ماه اخیر بیش از سترانه روزانه سهام شناور باشد، سهم پر معامله تلقی شده و حجم مبنای «یک» در نظر گرفته می‌شود.

دومین حالت مربوط به سهام کم‌معامله با نوسان کم است؛ در واقع سهمی که نه پر معامله هستند و نه نوسان قابل‌توجه دارند، حجم مبنای آنها نیز «یک» خواهد بود.

سومین حالت نیز به سهام کم‌معامله با نوسان بالا مرتبط است؛ در این حالت، حجم مبنای بر اساس فرمولی که ترکیبی از میانگین روزانه حجم معاملات یک ماه اخیر و سترانه روزانه سهام شناور است، تعیین می‌شود.

ضرب تعدیل در این فرمول با افزایش یا کاهش حجم معاملات در سه ماه اخیر و شدت نوسانات سهم تغییر می‌کند؛ افزایش معاملات موجب کاهش ضریب و کاهش حجم مبنای و افزایش نوسان موجب افزایش آن می‌شود.

به بیان ساده، سازوکار جدید تلاش دارد تا سهم‌های پر معامله یا کم‌نوسان بدون محدودیت حجم مبنای معامله شوند و تنها شرکت‌هایی که با حجم معاملات پایین و نوسان قابل‌توجه مواجه هستند، مشمول حجم مبنای شوند. این تغییر، علاوه بر ارتقای امکان متعارف‌قیمت واقعی، مانع مبالغ‌های غیرواقعی و بهبود شفافیت بازار می‌شود.

نکات فرمول جدید حجم مبنای فرمول تازه حجم مبنای به نظر گرفتن متغیرهای کلیدی مانند بازدهی چهار هفته اخیر، میانگین حجم معاملات ماه گذشته، تعداد کل سهام شرکت و نسبت سهام شناور آزاد، تلاشی برای ایجاد توازن میان واقعیت معاملاتی سهم و ارزش بازار آن است. حداقل حجم مبنای نیز معادل ۱۰ درصد از سترانه روزانه تعداد سهام شناور آزاد شرکت تعیین شده است، به این معنا که حتی در سهام کم‌معامله، سطحی از نقدشوندگی تضمین می‌شود.

اجرای این تغییرات از دو منظر حائز اهمیت است: نخست برای سهامداران خرد که از قفل شدن دارایی‌ها در بازار پایه گلایه داشتند و دوم برای شرکت‌ها که در نبود کشف قیمت واقعی، با مشکلاتی در جذب سرمایه و تامین مالی مواجه بودند. حالا با اعمال فرمول جدید، انتظار می‌رود نقدشوندگی نسبی بازار پایه بهبود یافته و امکان کشف قیمت منصفانه‌تر فراهم شود.

ارتقای شفافیت در بازار پایه

محمدعلی شیرازی، مدیرعامل فرابورس ایران، در این باره تأکید کرده است که فرمول تازه حجم مبنای با هدف ارتقای شفافیت و کاهش فاصله میان معاملات واقعی و ارزش اسمی سهام طراحی شده است.

به گفته وی، تغییرات حجم مبنای نتیجه فراخوانی برای اخذ نظرات فعالان و کارشناسان بازار است که از ۱۷ تا ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ انجام شد تا فرآیند تصمیم‌گیری با شفافیت بیشتری دنبال شود. با وجود این اصلاحات، کارشناسان هشدار می‌دهند که تغییر فرمول حجم مبنای همه مشکلات بازار پایه را برطرف نخواهد کرد.

همچنان چالش‌هایی مانند نبود شفافیت اطلاعاتی و گزارش‌دهی نامنظم شرکت‌ها از مسائل اصلی این بازار هستند. بااین حال، اصلاح حجم مبنای را می‌توان گامی رو به جلو در جهت اصلاح سازوکار معاملاتی و نزدیک کردن بازار پایه به استانداردهای حرفه‌ای‌تر دانست.

در نهایت، تجربه عملی این سازوکار در ماه‌های آینده نشان خواهد داد که آیا سیاستگذاران توانسته‌اند تعادلی میان نقدشوندگی و کنترل هیجان بازار برقرار کنند یا خیر. با توجه به انعطاف‌پذیری بیشتر و وزن‌دهی به معاملات واقعی سهام، انتظار می‌رود اثر مثبت حجم مبنای بر کشف قیمت و روان‌سازی معاملات بازار پایه، پررنگ‌تر از هر گونه نوسان کوتاه‌مدت باشد.

رشد برخوردار است.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند در شرایط فعلی، با توجه به ارزش گذاری جذاب نمادهای شاخص‌محور و بهبود انتظارات سودآوری شرکت‌ها، چشم‌انداز بازار همچنان صعودی ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد تا زمانی که شاخص کل بالای سطح ۳میلیون واحد تثبیت شود، اصلاحات احتمالی کوتاه‌مدت خواهند بود با فروکش کردن هیجانات سیاسی، انتظار می‌رود در روزهای آینده نمادهای کوچک و متوسط نیز مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرند.

در بازار چه گذشت؟

در معاملات روز گذشته بازار سهام، شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۰.۲۱ درصدی مواجه شد و به سطح ۸۹۲ هزار واحدی رسید. اما در فرابورس شاخص کل این بازار، ۰.۰۳ درصد افزایش را تجربه کرد. در جریان دادوستدهای دوشنبه، ۲۵۸میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد و ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز رقم ۱۱هزار و ۸۵۹میلیارد تومان را ثبت کرد که کاهش ۲۹ درصدی را نسبت به روز یکشنبه نشان می‌دهد.

از اتفاقات مهم روز گذشته بازگشایی نماد ایران خودرو بود. نماد شرکت ایران‌خودرو که برای افشای نرخ فروش محصولات در روز یکشنبه بسته شده بود در نیمه روز گذشته بازگشایی شد. این نماد طی مرحله پیش‌گشایش، با حجم بالای ۵میلیارد تومان در صف خرید قفل بود. در حالی‌که بازگشایی ایران‌خودرو در ابتدا با رشد قیمت و سبزپوشی همراه بود، فشار فروش با محوریّت همین نماد شدت گرفت.

در نتیجه، اکثریت بازار تحت‌تأثیر عرضه‌های سنگین قرار گرفتند و بیش از نیمی از نمادها با افت قیمت روز را به پایان رساندند؛ همچنین بیش از ۱۰۰ نماد از محدوده مثبت وارد صف فروش شدند. برخلاف روز یکشنبه که بازار سهام معاملات خود را صعودی آغاز کرد و شاخص کل تا نزدیکی سطح ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد پیش رفت، اما دیروز افزایش فشار فروش در نمادهای شاخص‌محور مانع تداوم رشد شد. در ادامه، شاخص کل با کاهش بیش از یک درصدی مواجه شد، هرچند مرز روانی ۳میلیون واحدی همچنان حفظ شد؛ سطحی که معامله‌گران آن را مرز حیاتی بازار می‌دانند.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که شاخص بالای این محدوده باقی بماند، اصلاح‌های احتمالی در قالب نوسان کوتاه‌مدت تلقی می‌شود و تهدیدی جدی متوجه بازار نخواهد بود. در همین حال، نمادهای کوچک‌تر وضعیت متعادل‌تری داشتند و تقاضا در برخی از آنها ادامه یافت. شاخص هم‌وزن که نماینده عملکرد شرکت‌های متوسط و کوچک است، در بخشی از معاملات در محدوده مثبت قرار گرفت و در نهایت تنها ۰.۲۱ درصد افت را ثبت کرد؛ موضوعی که از تمایل سرمایه‌گذاران به سمت سهام کوچک‌تر حکایت دارد.

چرخش بزرگ

فاطمه حاجعلی، تحلیلگر بازار سرمایه، در تشریح تحولات اخیر بورس تهران اظهار کرد: اگرچه در روز گذشته شاهد افت بیش از یک درصدی شاخص بودیم، اما این کاهش بیشتر به دلیل اصلاحات طبیعی و دست به دست شدن سهام رخ داده است. او در توضیح دلایل این چرخش بزرگ گفت: ریزش چهارشنبه گذشته در واقع یک اصلاح ساختاری نبود، بلکه می‌توان آن را یک استراحت معاملاتی در دل روند صعودی تعبیر کرد. رفتار معامله‌گران در نیم ساعت پایانی آن روز نشان داد فشار فروش تخلیه شده و بسیاری از فروشندگان پیشین در آستانه هفته جدید به سمت صف‌های خرید متمایل شدند.حاجعلی ادامه داد: در روزهای ابتدای هفته صنایع پالایشی، خودرویی، بانکی و فلزات اساسی بیشترین تأثیر را بر رشد شاخص داشتند.

تکذیب شایعات پیرامون صورت‌های مالی پالایشی‌ها به عنوان یک سیگنال اطمینان‌بخش، موج تقاضا را در این گروه تقویت کرد و این اثر مثبت به سایر صنایع نیز سرایت یافت. این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به عوامل بیرونی موثر بر این روند افزود: کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیک و ثبات نسبی نرخ ارز موجب آرامش در فضای کلان اقتصاد شده و این شرایط، تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به سهام را افزایش داده است. از سوی دیگر سطح ۳میلیون واحدی شاخص کل نقش حمایتی خود را به‌خوبی ایفا کرده و بازگشت سریع از این سطح، برای بسیاری از معامله‌گران سیگنال ورود تلقی شده است.

مدیریت شهری به مخالفت اهالی شهرک اکباتان در خصوص ایجاد درب دوم برای متروی این شهرک در مشاعات یکی از بلوک‌های مسکونی واکنش نشان داد و مدیران مترو وعده دادند تا محل درب جدید مجدداً بررسی شده و تا حد امکان نظر ساکنان شهرک در خصوص محل درب دوم تأمین شود.

مخالفت اهالی شهرک اکباتان با ساخت درب دوم برای متروی اکباتان در مشاعات یکی از بلوک‌ها با واکنش مدیریت شهری مواجه شد، نعمت‌الله فرزانه‌پور رئیس مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران در این شهرک حضور یافت و در جلسهای با حضور اعضای هیات‌مدیره شهرک و هیات‌مدیره بلوک نظرات ساکنان و دلایل مخالفت‌ها در خصوص محل پیشنهادی برای «درب دوم» را شنید.

درحالی‌که نمایندگان اهالی در این نشست بر لزوم ارزیابی تأثیرات اجتماعی-فرهنگی هر پروژه عمرانی و تبعات هر تصمیمی بر زندگی شهروندان سخن گفتند، مدیرعامل شرکت مترو تهران وعده داد که تا حد امکان نظر مردم در زمینه محل درب دوم این شهرک تأمین شود. در این نشست بر لزوم نبود فاصله میان مردم و مدیران شهری تأکید شد. مطابق مصوبه ستاد مدیریت بحران هر ایستگاه مترو الزاماً باید دارای حداقل ۲ درب «ورود و خروج» باشد؛ درحالی‌که در تعدادی از ایستگاه‌های متروی تهران این مصوبه ایمنی اجرایی نشده، پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، شرکت بهره‌برداری مترو تهران ملزم به ایجاد درب دوم برای ایستگاه‌های فاقد درب دوم شده است.

در خصوص متروی شهرک اکباتان راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام در زمینه تأمین درب دوم، ساخت آن در محل فاز دوم و مقابل درب فعلی با فاصله محدود کمتر از ۱۰۰ متری بود. با وجود این، شهروندان در خصوص تبعات این تصمیم بر کیفیت زندگی خود نگران و معترض بودند و مخالفت خود را از طریق رسانه‌ها با اعلام مدیران شهری رساندند.مدیران شهری موفق پیش از اجرای هر پروژه عمرانی، تأثیرات اجتماعی آن بر شهروندان را ارزیابی می‌کنند؛ در راهنمای بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی توصیه‌های مشخصی برای جلب نظر حداکثری شهروندان برای اجرای یک پروژه شده است. در این راهنما آمده است، که پیش از هر گونه تصمیم‌گیری برای یک محله، مردم آن منطقه را در جریان موضوع بگذارید، نظرات موافق و مخالف مردم را جمع‌آوری و پیشنهادهای شهروندان را مورد بررسی قرار دهید. مدیران شهری باید این موضوع را بدانند که برای حل یک مساله، همواره بیش از یک راه وجود دارد، بنابراین باید به فکر ارائه گزینه دوم و سوم در صورت مخالفت شهروندان نیز باشند. به نظر می‌رسد که مدیران مترو در شهر تهران، درصدد برآمدند تا در اجرای پروژه درب دوم برای مترو اکباتان، سراغ گزینه‌های دوم و سوم رفته تا به این ترتیب نظر مساعد ساکنان این منطقه را تأمین کنند.

طرح دولت برای «مسکن توکنی»



هدف از طرح توکنایز کردن مسکن، متصل کردن خانوارهای متقاضی مسکن به این شکل است که از این طریق بتوانند منابع مالی برای ساخت‌وسازهای جدید را تأمین کنند. به این معنی که، پروژه‌های ساختمانی که در قالب برنامه ساخت سالانه یک‌میلیون مسکن تعریف شده‌اند، به توکن‌های قابل فروش به متقاضیان مسکن تبدیل می‌شوند؛ به نوعی پیش‌خرید دیجیتال که ارزش هر واحد پیش‌خرید به قدری پایین است که امکان مشارکت فراهم می‌شود. جوشقانی تأکید کرد که طرح «توکن مسکن» می‌تواند کمک کند پول‌های خرد از بخش‌های غیرمولد (مانند دلار، طلا و سکه) به بخش مولد مسکن وارد شود. در واقع با تغییر مسیر نقدینگی‌ها از بازارهای غیر مولد به بازار مسکن، هم عرضه مسکن افزایش می‌یابد و هم اشتغال ایجاد می‌شود.

بسیاری از دارندگان این نقدینگی‌ها اگر امکان سرمایه‌گذاری در بخش مسکن را داشتند، این بازار را انتخاب می‌کردند؛ زیرا ریسک بسیار پایین و عایدی بلندمدت بالایی نسبت به بازارهای موازی دارد، اما امکان سرمایه‌گذاری مستقیم برای آنها فراهم نیست. در واقع، توکنایز کردن کمک می‌کند، مددسگنی وارد تولید و ساخت مسکن شود، بدون اینکه تورم ایجاد کند؛ زیرا وارد خرید «مسکن آماده» نمی‌شود که قیمت‌ها را بالا ببرد، بلکه در قالب پروژه‌های در حال ساخت سرمایه‌گذاری می‌شود. به‌عبارتی، در قالب این طرح، سرمایه‌گذاران ملکی می‌توانند توکن‌های پروژه‌های در حال ساخت را خریداری کنند، منابع مالی پروژه را تأمین کنند تا سازنده بتواند عرضه مسکن را افزایش دهد و موتور رشد اقتصادی فعال شود.

توسعه‌گری با واگذاری زمین‌های دولتی

در این نشست، غلامرضا سلامی، صاحب‌نظر ارشد حوزه مسکن و ساختمان، طرحی مکمل را به دولت و وزارت راه و شهرسازی پیشنهاد داد. بر اساس این طرح، زمین‌های تحت اختیار سازمان ملی زمین و مسکن و سایر شرکت‌های زمین‌دار وابسته به وزارت راه و شهرسازی باید به «صندوق توسعه مسکن» واگذار شوند تا شرایط تازه‌ای برای ورود توسعه‌دهندگان به صنعت ساختمان فراهم شود.

سلامی معتقد است دولت، به‌ویژه وزارت راه و شهرسازی و سازمان ملی زمین و مسکن، حجم قابل‌توجهی زمین خام و پراکنده در نقاط مختلف کشور در اختیار دارد. این زمین‌ها باید در قالب یک همکاری با بانک‌ها، با توجه به نیازهای مختلف کشور در این زمینه نباید به دنبال سود یا فعالیت تجاری باشد، بلکه هدف آن باید تسهیل توسعه و ساخت‌وساز در بخش مسکن باشد. براساس این طرح، همه زمین‌هایی که در مالکیت و اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار دارند، باید به این صندوق منتقل شوند تا مدیریت و تخصیص زمین از حالت پراکنده و غیرشفاف خارج شود.

این صندوق در همکاری با بانک‌ها، می‌تواند منابع مالی لازم را برای سازندگان نیز تأمین کند. زمین‌های دولتی از طریق این صندوق در اختیار شرکت‌های توسعه‌دهنده صنعت ساختمان قرار می‌گیرند، اما نوع واگذاری باید به‌گونه‌ای باشد که سازندگان تنها برای خرید زمین به سراغ صندوق نروند. هدف این است که شرکت‌های توسعه‌دهنده، زمین را با هدف ایجاد شهرک‌های جدید دریافت کنند؛ شهرک‌دهی، که در آنها نه تنها واحدهای مسکونی، بلکه مراکز اداری، تجاری و خدمات شهری نیز تعریف شود.

برخورد بورس به سد ۳میلیونی



❶ فرحناز نعمتی – گزارش‌ها نشان می‌دهد که طلای ۱۸عیار در بازه یک‌ماه گذشته ۹.۵ درصد، سکه ۶.۲ درصد دلار ۱.۱ درصد و بورس ۲۱.۲ درصد تغییر کرد. در عین حال، بازار خودرو نیز تغییر ۴۰ تا ۱۷۰میلیون تومانی قیمت خودروهای داخلی را تجربه کرد.

بورس تهران که استارت معاملات آخرین هفته مهرماه را با قدرت‌نمایی شاخص‌ها زده، سرانجام موفق به عبور از سطح ۳میلیون واحدی شد. اگرچه در روز گذشته با شناسایی سود از سوی معامله‌گران تا حدودی عرضه‌ها سرعت گرفت؛ موضوعی که پیش از این انتظار می‌رفت و تحلیلگران نیز بر این موضوع تأکید کرده بودند.

به‌خصوص آنکه با نزدیک شدن به سطح ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی، معامله‌گران مجدداً وارد فاز احتیاط شدند. شاخص‌های سهامی دیروز در مسیر کاهشی حرکت کردند و تردید معامله‌گران در جریان دادوستدهای



قول شهرداری به اهالی اکباتان

مشاور وزیر اقتصاد از تدارک طرح «تحرک‌بخشی به بازار مسکن با ابزار جدید تأمین مالی» خبر داد. حسین جوشقانی در نشست آسیب‌شناسی نظام تأمین مالی مسکن، منابع مورد نیاز برای ساخت یک میلیون واحد جدید را ۲۰میلیارد دلار اعلام کرد و آن را یک «مساله» دانست. طرح «فروش توکن مسکن» یک پاسخ برای آن است.

اعضای نشست از راست: حسین جوشقانی، سید محسن قاضیلان، دکتر غلامرضا سلامی، دکتر مریم زارعیان (دبیر نشست) و دکتر سعید اسلامی بیدگلی صدیقه ژادقاریان: نظام تأمین مالی مسکن در ایران به‌دلیل بانک‌محور بودن، کمبود داده‌های دقیق و تداوم تصدی‌گری دولت در بخش مسکن و توسعه شهری، با چالش‌های جدی روبه‌روست. نبود تنوع در ابزارهای مالی، ناکارآمدی نظام‌های پس‌انداز مسکن و سهم پایین تسهیلات بانکی موجب شده خانوارها، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، از دسترسی به مسکن مناسب بازمانند. اکنون در شرایطی که دو مسیر پیشین تأمین مالی یعنی وام‌های بانکی و صندوق‌های زمین و ساختمان پاسخگوی نیاز بخش مسکن نبوده‌اند، در نشستی به مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با موضوع توسعه مسکن در ایران برگزار کرد، طرح تازه‌ای با عنوان «مسکن توکنی» از سوی دولت مطرح شده است؛ طرحی که به عنوان یک «نظام جدید تأمین مالی» با بهره‌گیری از بستر دیجیتال، امکان ساخت‌وفروش مسکن را متناسب با شرایط فعلی اقتصاد فراهم می‌کند.

خرید واحدهای ریز دیجیتالی

در این نشست حسین جوشقانی، مشاور وزیر اقتصاد و کارشناس اقتصادی با بررسی نیازسنجی‌های مسکن به راهکارهای تأمین مالی متناسب با سطح درآمدی خانوارها در قالب «نظام جدید تأمین‌مالی» سازگار با شرایط فعلی اقتصاد یعنی ساخت و فروش مسکن در بستر دیجیتال پرداخت. براساس مطالعاتی که مراجع کارشناسی مختلف انجام داده‌اند، در ۴ سال آینده تخمین زده می‌شود ۲ تا ۱۰میلیون واحد مسکونی در کشور نیاز است. این نیازسنجی صرفاً برای سکونت خانوارهای شهری است، نه انواع املاک مسکونی دیگر مثل خانه دوم. بنابراین با توجه به نیاز چندمیلیونی مسکن طی سال‌های آینده، فرض بر این است که سالانه حدود یک‌میلیون واحد مسکونی در کشور ساخته شود. برآوردها نشان می‌دهد، ساخت سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی با احتساب نرخ امروز، حداقل ۲۰میلیون تومان برای هر مترمربع هزینه خواهد داشت که هزینه زمین، جواز و سایر هزینه‌های مرتبط با شهرسازی را در بر نمی‌گیرد.

نکته قابل‌توجه اینکه، هزینه‌های مربوط به شهرسازی نیز تقریباً معادل همین رقم است. بنابراین، ساخت یک‌میلیون واحد مسکونی جدید در سال، به حدود ۲۰میلیارد دلار منابع مالی نیاز دارد. این حجم بالای تقاضا با وضعیت موجود منابع بانکی، تورم بالا، نرخ بهره بالا و توان محدود درآمدی خانوارها که امکان پرداخت اقساط سنگین را ندارند، تقریباً غیرممکن است. بنابراین تأمین مالی ساخت مسکن جدید با اتکای صرف به تسهیلات شبکه بانکی مساله اساسی اقتصادی محسوب می‌شود و نیازمند ابزار یا ابتکار جدیدی است.

برای طراحی این ابزار، وضعیت اقتصادی و توان مالی خانوارها باید در نظر گرفته شود. خانوارها به دلیل تورم و شرایط اقتصادی، توانایی تأمین مبلغ بالای خرید مسکن به شکل یکجا را ندارند. پس‌اندازها و توان پرداخت قسط بسیار پایین است و هزینه ساخت یک آپارتمان حداقل ۲میلیارد تومان برآورد می‌شود. بنابراین لازم است ابزاری تعریف شود که امکان خرید مرحله‌ای مسکن را برای خانوارها فراهم کند، در واقع، ابزار باید بتواند طوری فعال شود که افراد امکان خرید مرحله به مرحله را داشته باشند. یکی از این ابزارهایی که جوشقانی مطرح می‌کند، «توکنایز کردن مسکن» است که وزارت اقتصاد در همکاری با وزارت مسکن پیش می‌برد. در این روش، ارزش یک واحد مسکونی به واحدهای دیجیتالی کوچک (توکن) تقسیم می‌شود. هر توکن نمایانگر یک سهم دیجیتال از واحد مسکونی است و ارزش آن به قدری پایین تعریف می‌شود که افراد با هر میزان توان مالی بتوانند یک یا چند توکن خریداری کنند و به مرور خرید خود را تکمیل کنند. ارزش هر توکن می‌تواند ضریبی از قیمت یک مترمربع واحد مسکونی باشد.

♥ **بایت‌دنس بدون «تیک‌تاک آمریکایی» وضع بهتری دارد**
به محض اینکه استفاده از تیک‌تاک را شروع کنید احتمالاً نمی‌توانید چشم از آن بردارید. همین موضوع درباره اجرای پرحاشیه حضور این اپلیکیشن چینی در آمریکا نیز صدق می‌کند؛ با این تفاوت که برخلاف ویدئوهای کوتاه و جذاب تیک‌تاک، این داستان سال‌هاست کش‌دار شده است.

البته حالا به نظر می‌رسد سرانجام این ماجرا به نقطه پایانی نزدیک شده است. در اواخر سپتامبر جزئیات یک توافق احتمالی بین دونالد ترامپ و همتای چینی‌اش، شی جین‌پینگ، برای واگذاری کنترل تیک‌تاک آمریکا به یک کنسرسیون متشکل از سرمایه‌گذاران آمریکایی آشکار شد. در غیر این صورت طبق قانون دوجزبی که در سال ۲۰۲۴ توسط رئیس‌جمهور دموکرات پیشین امضا شده بود، تیک‌تاک نهایتاً در آمریکا غیرقابل دسترسی می‌شد.

به نوشته مجله اکونومیست، جزئیات هنوز کمی مبهم است، اما اگر بخواهیم یک خلاصه ارائه دهیم، به این صورت است که مالکین جدید (با چهره‌های برجسته‌ای مثل لری ایلسون و چند تن از دوستان سیلیکون‌ولی ترامپ) ۸۰درصد سهام نهاد آمریکایی را به دست آوردند. ارزش این معامله ۱۴میلیارد دلار برآورد شده است. تحلیلگران فکر می‌کردند حداقل ۴۰میلیارد دلار و شاید تا ۱۰۰میلیارد دلار هم ارزش داشته باشد، اما مشخص شد نیمی از سودها همچنان به شرکت مادر تیک‌تاک، یعنی بایت‌دنس در پکن می‌رود که ۲۰درصد سهام را حفظ می‌کند. اما اکنون مجوز استفاده از الگوریتم اپلیکیشن که اصطلاحاً به آن گفته می‌شود «می‌توان از آن چشم برداشت»، در دست آمریکایی‌هاست و این اطمینان وجود دارد که حزب کمونیست نمی‌تواند آن را دستکاری کند.

همواداران آمریکایی تیک‌تاک که به گفته شرکت تحقیقاتی eMarketer ۱۷میلیون نفر از آن حداقل ماهی یک بار از این اپلیکیشن استفاده می‌کنند، می‌توانند نفس راحت بکشند. سهامداران جدید هم می‌توانند از خریدی که به نظر می‌رسد یک فرصت خوب است، خوشحال باشند. در این بین ترامپ نیز می‌تواند از این موفقیت لذت ببرد. با این حال بزرگ‌ترین برنده ممکن است در واقع بایت‌دنس باشد. زیرا واگذاری تیک‌تاک به آمریکا، حواس این شرکت‌کننده ۳۰میلیارد دلاری را از فتح آرام و گسترده جهانی پرت نمی‌کند. یکی از سرمایه‌گذاران بایت‌دنس حتی معتقد است که این شرکت ممکن است بدون تیک‌تاک آمریکا ارزشمندتر هم باشد.

در میان همه هیاهوها آسان است فراموش کنیم که آمریکا تنها بخشی کوچکی از امپراتوری دیجیتال بایت‌دنس است. حتی به‌نظر می‌رسد این بخش حداقل فعلاً چندان سودآور نباشد. تیک‌تاک بیش از یکمیلیارد کاربر فعال ماهانه در خارج از آمریکا دارد. دویین، نسخه چینی و قدیمی‌تر آن، حدود ۸۰۰میلیون کاربر دارد و واقعاً درآمدزایی می‌کند. به احتمال زیاد همین دو اپ مسوول بخش عمده ۳۳میلیارد دلار سود خالصی هستند که بایت‌دنس سال گذشته از مجموع درآمد ۵۵میلیارد دلاری خود کسب کرده است.

نکته مهم این است که بایت‌دنس دیگر فقط به فروش تبلیغات کنار کلیپ‌های جذاب محدود نمی‌شود. طبق برآورد eMarketer، تبلیغات ۴۹میلیارد دلار از درآمد سال ۲۰۲۴ را تشکیل می‌دهد که کمتر از یک‌سوم کل درآمد است. جادوی بایت‌دنس در توانایی آن برای خلق محصولاتی است که مرزهای دسته‌بندی‌های سنتی را درمی‌نوردند.

مدل کسب‌وکار بایت‌دنس که مرزهای دسته‌بندی‌ها را درنوردیده، همیشه سخت‌تر از بازارهای دیجیتال کمتر توسعه‌یافته، در بازار آمریکا پیاده‌سازی می‌شد. TikTok Shop تنها در سال ۲۰۲۳ وارد آمریکا شد، یعنی سه سال پس از آنکه دویین نسخه خود را در چین معرفی کرده بود. با توجه به حساسیت‌های ژئوپلیتیک، افزودن هوش مصنوعی به تیک‌تاک امری کارآ را حتی دشوارتری بود. این شرکت بهتر است توجه و منابع خود را به بازارهایی که جنجال کمتری دارند، معطوف کند. حالا که دردرسروا آمریکا پشت سر گذاشته شده بایت‌دنس ممکن است سرعت توسعه و معرفی قابلیت‌های جدید خود را در سایر نقاط جهان افزایش دهد. پس چرا یکبار برای همیشه تیک‌تاک آمریکا را کنار نگذارند. برای «شی» این شاید یک امتیاز بیش از حد به ترامپ محسوب می‌شد. از دید بایت‌دنس، اما این می‌توانست نتیجه‌ای بهتر و حتی پرسودتر داشته باشد.

■ ■ ■

♥ **میلیون‌ها نفر به‌زودی در فضا زندگی می‌کنند**
بنیان‌گذار آمازون به تازگی پیش‌بینی کرده که میلیون‌ها نفر به‌زودی در فضا زندگی خواهند کرد.

میلیون‌ها نفر به‌زودی در فضا زندگی می‌کنند به گزارش تک‌کراچ، بزوس که شرکت فضایی بلو اوربجین را تاسیس کرد، در گفت‌وگو با جان الکان از خانواده اگنلی ایتالیا تأکید کرد که مردم عمدتاً «به دلخواه خودشان» به زندگی در فضا خواهند پرداخت و ربات‌ها وظایف سخت و طاقت‌فرسا را برعهده خواهند داشت.



رویافروشی در انتقال آب

❧ بیتا حسن پور – فلات مرکزی ایران، جایی که بسیاری از رودخانه‌ها تنها خاطره‌ای از گذشته‌اند و آبخوان‌ها تحت فشار برداشت‌های غیرمجاز در حال فرونشست هستند، برداشت‌های غیرمجاز در حال فرونشست هستند

فلات مرکزی ایران، جایی که بسیاری از رودخانه‌ها تنها خاطره‌ای از گذشته‌اند و آبخوان‌ها تحت فشار برداشت‌های غیرمجاز در حال فرونشست هستند، بحث‌های اقتصادی و زیست‌محیطی پیرامون سیاست شیرین‌سازی و انتقال آب از دریای عمان و خلیج فارس است. این سیاست که از سال ۱۳۹۹ با فاز نخست «سامانه خلیج فارس» آغاز شد، اکنون شامل شش طرح کلان است که هدف آنها نمک‌زدایی از آب شور دریا و انتقال آن به استان‌های مرکزی و شرقی کشور است.

سایت آب‌شیرین‌کن در غرب استان هرمزگان

بر اساس داده‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی جنبه‌های مختلف طرح‌های کلان شیرین‌سازی و انتقال آب دریا کشور»، مجموع ظرفیت این پروژه‌ها بیش از یکمیلیارد مترمکعب در سال برآورد شده است. گزارش تأکید کرده‌است که هزینه اجرای این پروژه‌ها چندین برابر بودجه کل بخشی آب کشور است. اما کارشناسان هشدار می‌دهند که شیرین‌سازی و انتقال آب، درمان بحران خشکسالی در ایران نیست. در همین راستا، «بنیای اقتصاد» در گفت‌وگو باجمال‌محمودلی سامانی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، به بررسی ابعاد بحران آب و ارزیابی سیاست‌های مقابله با آن پرداخته‌است.به گفته این استاد دانشگاه، در حال حاضر حدود ۵۴ شهر در ۲۳ استان کشور درگیر تنش آبی در بخش شرب هستند.

او در این رابطه گفت: «از آبیک قزوین تا کرج و تهران، از سمنان تا اصفهان، از بانه در کردستان تا بندرعباس و مشهد، تقریباً در بیشتر نقاط کشور با درجات مختلفی از کم‌آبی مواجه هستیم. تهران نیز یکی از شهرهایی است که تنش آبی در آن بسیار شاخص است.» سامانی با اشاره به طرح‌های انتقال آب از منابع دیگر گفت: «در گذشته هم انتقال آب از حوضه‌های مجاور برای جبران کمبود آب در برخی شهرها انجام شده و احتمالاً در آینده نیز ادامه پیدا خواهد کرد. اما واقعیت این است که هیچ‌یک از این اقدامات پاسخ قطعی نیست. هر مقدار که مصرف افزایش یابد، نیازگزیر باید آب را از حوضه‌های دیگر و با هزینه‌های سنگین‌تر منتقل کرد.»

بحران مصرف

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش خود نشان می‌دهد که تا پایان سال ۱۴۰۱، حجم کسری تجمعی آبخوان‌های استان‌های هدف طرح‌های انتقال (کرمان، یزد، اصفهان، فارس، خراسان جنوبی و رضوی، سیستان و بلوچستان) به حدود ۹۰میلیارد مترمکعب رسیده است. در همین استان‌ها بیش از ۴۷ هزار حلقه چاه غیرمجاز فعال است که سالانه حدود ۲۴میلیارد مترمکعب از منابع زیرزمینی برداشت می‌کنند. به گفته سامانی، مشکل اصلی در رشد بی‌رویه تقاضا و ضعف مدیریت است. او در این رابطه گفت: «وقتی ساخت‌وساز شهری و صنعتی بدون در نظر گرفتن ظرفیت آبی انجام می‌شود، هر مقدار آب هم تأمین شود، کافی نیست. این چرخه پائیدار است و با انتقال آب فقط به‌صورت موقت بحران به تعویق خواهد افتاد.» او با اشاره به تجربه تهران توضیح داد: «تهران اکنون از پنج سد اصلی شامل امیرکبیر، طالقان، لار، لتیان و ماملو تغذیه می‌شود. هیچ‌یک از این سدها در حوضه آبریز تهران بزرگ نیستند و با افزایش جمعیت و ساخت‌وساز، تقاضا برای آب نیز پیوسته افزایش پیدا می‌کند»

ابهامات اقتصادی طرح انتقال آب

طبق داده‌های مرکز پژوهش‌ها، هزینه سرمایه‌گذاری اولیه فاز نخست طرح انتقال آب خلیج فارس بیش از ۴۸۰۸ هزارمیلیارد ریال بوده، که رقمی معادل ۹۴ برابر کل بودجه بخش آب کشور در سال ۱۴۰۲ است. قیمت تمام‌شده آب نیز بسته به مقصد بین ۰۶ تا ۲۰۹(استان‌های ساحلی) تا ۲۰۹(استان‌های مرکزی) یورو به ازای



تأمین ۵۰ درصد برق شهرک‌های صنعتی از انرژی خورشیدی

تأمین ۵۰ درصد برق شهرک‌های صنعتی از انرژی خورشیدی

هر مترمکعب برآورد شده است؛ یعنی انتقال آب به اصفهان چندین برابر هزینه تولید آن در ساحل خواهد بود. سامانی در همین زمینه بیان کرد: «پروژه‌هایی نظیر انتقال آب به تهران از نظر اقتصادی و فنی غیرمنطقی است. وقتی هزینه انتقال و شیرین‌سازی تا هزاران کیلومتر ممکن است به چند هزار یورو برسد، مشخص است که این راه، درست نیست»

از سوی دیگر شیرین‌سازی آب دریا به روش اسمز معکوس برای هر مترمکعب آب بین ۲۵ تا ۵۵کیلووات‌ساعت برق نیاز دارد. در مجموع، انرژی موردنیاز برای ظرفیت یکمیلیارد مترمکعب در سال بین ۲۸۰۰ تا ۵۶۰۰گیگاوات‌ساعت تخمین زده می‌شود. این در حالی است که کشور با ناترازی انرژی روبه‌روست. در واقع پروژه‌های انتقال آب به پشتوانه پارانرژی اجرا شده‌اند. اگر قیمت برق واقعی شود یا در تأمین سوخت نیروگاه‌ها اختلال پیش آید، ممکن است این طرح‌ها اجرایی نشوند. بنابراین منابع عمومی برای تولید آب صنعتی استفاده می‌شود که بازدهی مشخصی ندارد.

نیاز کشور به اصلاحات در حکمرانی آب

بر اساس آمارهای رسمی، بیش از ۹۰ درصد منابع آبی کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود؛ درحالی‌که بهره‌وری در این بخش به‌طرز نگران‌کننده‌ای پایین است. به گفته سامانی، حدود ۹۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، اما متأسفانه بین ۷۰ تا ۸۰ درصد این میزان عملاً هدر می‌رود. افزون بر این، ضایعات محصولات کشاورزی از مرحله تولید تا مصرف بسیار بالاست. ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار مزارع می‌تواند نقش مهمی در کاهش این ضایعات و افزایش بهره‌وری ایفا کند. او همچنین به مساله «آب مجازی» به‌عنوان یکی از عوامل نادیده‌گرفته‌شده در سیاستگذاری‌های آبی کشور اشاره کرد و گفت: «وقتی محصولی مانند هندوانه یا گوجه‌فرنگی صادر می‌شود، درواقع بخشی از آب کشور صادر شده است. بنابراین سیاست‌های تجاری باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که محصولات پرآب‌بر بجای صادرات، در داخل مصرف شوند و در مقابل، صادرات به سمت محصولات کم‌آب‌بر سوق پیدا کند.»

سامانی با تأکید بر نقش سیاست‌های حمایتی در مدیریت مصرف آب، پیشنهاد داد دولت از طریق «مشوق‌های مالی» کشاورزان را به صرفه‌جویی در مصرف آب ترغیب کند. او در این رابطه گفت: «اگر کشاورز بتواند با اصلاح روش‌های آبیاری یا تغییر الگوی کشت در مصرف آب صرفه‌جویی کند، دولت می‌تواند آب ذخیره‌شده را از او خریداری کند. هزینه چنین سیاستی به‌مراتب کمتر از هزینه تولید هر مترمکعب آب شیرین‌شده است که چند یورو برآورد می‌شود.» او در ادامه بر ضرورت استفاده از منابع آبی غیرمتعارف تأکید کرد و گفت: «در بسیاری از مناطق کشور، منابع آبی با کیفیت پایین‌تر وجود دارد که می‌توان با تصفیه از آنها بهره‌برداری کرد. بجای انتقال آب از دریا به مناطق مرکزی و مرتفع (که نه از نظر اقتصادی و نه از منظر زیست‌محیطی توجیه‌پذیر است) باید از منابع داخلی همان مناطق استفاده شود. شیرین‌سازی آب در مناطق ساحلی قابل قبول است، اما انتقال آن به فواصل طولانی، هزینه‌بر و آسیب‌زا خواهد بود.»

سامانی افزود: «یکی از اقدامات موثر برای مدیریت منابع آبی، الزام به جمع‌آوری آب باران در ساختمان‌های جدید است. این آب می‌تواند در تأمین نیاز فضای سبز شهری یا مصارف غیرشرب مورد استفاده قرار گیرد و بخشی از فشار بر منابع آب زیرزمینی را کاهش دهد.»

بهره‌وری: کلید پایداری

سامانی با تأکید بر اینکه راهکار اصلی در «افزایش بهره‌وری» نهفته است، گفت: «بهره‌وری فقط در کشاورزی نیست. از شبکه‌های فرسوده شهری تا مدیریت فضای سبز و مصرف خانگی، همه باید بازنگری شود.» او توضیح داد که بخش قابل‌توجهی از آب شهری در شبکه توزیع هدر می‌رود یا بدون درآمد مصرف می‌شود. «خسختین گام، بهسازی و نوسازی شبکه‌های آب‌رسانی است. بخش زیادی از تلفات ما ناشی از فرسودگی شبکه و نشت آب است. علاوه بر آن، باید فصول آب به حساب نیامده یا آب بدون درآمد را جدی گرفت. بخشی از این آب به دلیل نشت از بین می‌رود، بخشی هم به‌صورت غیرمجاز مصرف می‌شود و بخشی دیگر طبق قانون رایگان در اختیار نهادهایی مثل مدارس و مساجد قرار می‌گیرد. با اصلاح این موارد می‌توان دست‌کم ۱۰ درصد از کل آب مصرفی را صرفه‌جویی کرد.»

سامانی سپس به نقش مدیریت شهری اشاره کرد: «در تهران و شهرهای بزرگ، آبیاری فضای سبز سهم زیادی از مصرف دارد. هنوز از چمن‌های پرمصرف استفاده می‌شود، درحالی‌که باید همانند ایالت‌هایی مثل کالیفرنیا، چمن‌کاری را محدود و از گونه‌های مقاوم به خشکی استفاده کرد. این اصلاحات ساده می‌تواند میلیون‌ها مترمکعب در سال صرفه‌جویی ایجاد کند.» او ادامه داد: «کولر آبی مربوط به فناوری دهه‌های گذشته است و مصرف قابل‌توجهی از آب را به خود اختصاص می‌دهد. باید به سمت استفاده از سیستم‌های تهویه برقی با راندمان بالا حرکت کنیم. دولت می‌تواند با حمایت از تولید یا واردات دستگاه‌های اسپلیت کم‌مصرف، هم مصرف برق را مدیریت کند و هم وابستگی به کولرهای آبی را کاهش دهد.»

فرهنگ مصرف و نقش مردم

سامانی در بخش دیگری از گفت‌وگو بر اهمیت فرهنگ‌سازی تأکید کرد و گفت: «بدون مشارکت مردم، هیچ برنامه‌ای موفق نخواهد شد. باید از طریق آموزش، رسانه و برنامه‌های محلی، فرهنگ صرفه‌جویی و بهره‌وری نهادینه شود.» او در ادامه درباره ارتباط تغییر اقلیم و بحران آب گفت: «تغییر اقلیم عامل مهمی در تشدید بحران‌های آبی اخیر است. طی چهار سال گذشته، خشکسالی‌های پیاپی و کاهش ذخایر آبی را تجربه کرده‌ایم. تغییر اقلیم موجب افزایش دما، تغییر الگوی بارش و وقوع سیلاب‌های ناگهانی شده است. لازم است برنامه‌های مدیریت شرایط بحرانی به‌طور جدی اجرا شوند؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت ذخیره و استفاده از آب سیلاب‌ها افزایش یابد تا در دوره‌های خشکسالی قابل بهره‌برداری باشد.»

کارشناسان معتقدند که مسیر فعلی سیاست آب در ایران نیازمند بازنگری بنیادی است. سامانی در جمع‌بندی خود تأکید کرد:«اگر به سمت افزایش بهره‌وری و مدیریت تقاضا حرکت کنیم، نیاز به جیره‌بندی و پروژه‌های پرهزینه انتقال آب کاهش پیدا می‌کند. این مسیر، همان راه درست و پایدار است که کشور باید در بلندمدت دنبال کند.» داده‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز همین نتیجه را تایید می‌کنند. طرح‌های شیرین‌سازی و انتقال آب در بهترین حالت تنها حدود ۴ درصد از کل مصرف استان‌های هدف را پوشش می‌دهند و قادر به حل ناترازی منابع آب نیستند. بنابراین، سیاستگذاران آینده باید به جای تمرکز بر پروژه‌های پرهزینه، بر حکمرانی هوشمند آب، بازتخصیص منابع و استفاده از سباه‌ها و آب‌های شور داخلی متمرکز شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی ایران از برنامه وزارت صمت برای تأمین ۵۰ درصد برق شهرک‌های صنعتی از انرژی خورشیدی خبر داد.
تأمین ۵۰ درصد برق شهرک‌های صنعتی از انرژی خورشیدی
رضا انصاری گفت: سال گذشته بالغ بر ۱۷ همت سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت شهرک‌های صنعتی کشور انجام شده که این منجر به این شد که بیش از ۲۶۰۰ واحد صنعتی جدید در کل کشور به بهره‌برداری رسید و بالغ بر ۱۰۰۰ واحد صنعتی راکد احیا شده است.
وی با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ما در سطح کشور احیای واحدهای صنعتی راکد است، افزود: میانگین راکد شهرک‌های صنعتی کشور حدود ۱۲ درصد از کل واحدهای مستقر است. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به تأمین انرژی در بخش صنعت با استفاده از انرژی خورشیدی، اضافه کرد: یکی از چالش‌های اصلی ما در کشور تأمین برق پایدار برای واحدهای صنعتی است. در تابستان امسال برخی از شهرک‌های صنعتی تا سه روز در هفته با قطعی برق مواجه بودند که این مساله باعث افزایش حدود ۱۰ درصدی هزینه‌های تولید و در نهایت این افزایش هزینه به مصرف‌کننده نیز منتقل شد.
انصاری بیان کرد: با وجود اینکه وظیفه تأمین برق به‌صورت قانونی بر عهده وزارت نیرو است، اما با توجه به اهمیت موضوع تأمین انرژی، وزارت صمت هم به کمک وزارت نیرو آمده است. تاکنون بیش از ۱۲۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی در جوار داخل شهرک‌های صنعتی کشور و پشت‌بام واحدهای صنعتی کارسازی شده که از این میزان ۱۲۰ مگاوات به بهره‌برداری رسیده است. به دنبال آن هستیم تا ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی در سال‌های آینده به ۲۰۰۰ مگاوات افزایش یابد. وی ادامه داد: برنامه‌ریزی ما بر این اساس است که در آینده ۵۰درصد برق مصرفی شهرک‌های صنعتی کشور که در زمان اوج مصرف حدود ۴۰۰۰ مگاوات است، از طریق انرژی خورشیدی تأمین شود. این اقدام تأثیر بسزایی بر پایداری شبکه برق صنایع دارد و از زیان‌های ناشی از قطعی برق جلوگیری می‌کند.

لزوم بازنگری در سیاست‌های محل تولید

نوبن برای سازگاری و رشد در شرایط متغیر اقتصادی است. وی سایر مؤلفه‌های موثر در ارتقای تاب‌آوری را شامل دیجیتالی‌سازی و شفافیت رنجیره تأمین، تحلیل داده و هوش مصنوعی، مدیریت مالی مقاوم، حکمرانی موثر و مدیریت ریسک یکپارچه برشمرد و تأکید کرد: بدون بهره‌گیری از فناوری‌های نو و تحلیل داده‌محور، امکان تصمیم‌گیری هوشمند و افزایش تاب‌آوری در بنگاه‌های اقتصادی وجود ندارد.

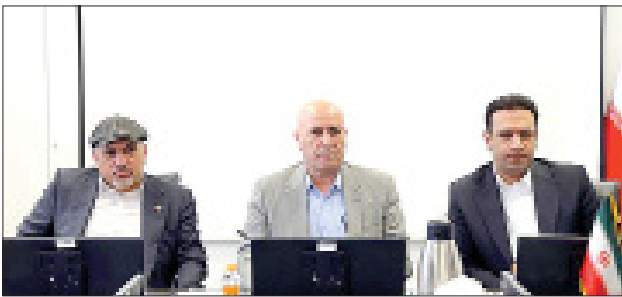
تقابل میان سیاستگذاران و بخش خصوصی

نوبد ایزدپناه، فعال صنعت لوازم خانگی و صنایع فلزی، با اشاره به رویکرد دولت در حوزه سیاست‌های اقتصادی و تاب‌آوری، گفت: از وزیر اقتصاد پرسیده شد که چگونه می‌خواهد تاب‌آوری را در اقتصاد کشور اجرا کند؟ وزیر پاسخ داد با کاهش سرعت گردش پول. در حالی‌که در علم اقتصاد، کاهش سرعت گردش پول به کاهش اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افت بهره‌وری منجر می‌شود. ایزدپناه با انتقاد از رویکرد کوتاه‌مدت دولت در سیاستگذاری‌های اقتصادی افزود: دولت به دنبال کنترل تورم است، اما به تولید فکر نمی‌کند. این رویکرد نوعی تقابل میان سیاستگذاران و بخش خصوصی ایجاد کرده است؛ تقابلی میان منافع بلندمدت تولیدکنندگان و اهداف کوتاه‌مدت دولت. این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تصریح کرد: به‌دنبال تقویت تولید و افزایش تاب‌آوری در بلندمدت هستیم، در حالی‌که سیاست‌های دولت بیشتر به مسکن‌های موقتی شباهت دارد. تا زمانی که حاکمیت در پی تاب‌آوری کوتاه‌مدت باشد، زمینه تحقق منافع پایدار برای بخش تولید و بخش خصوصی فراهم نخواهد شد.

کم‌توجهی سیاستگذار به شاخص‌های بهره‌وری

عباسعلی متوسلیان، عضو اتاق یزد و فعال حوزه پلیمر، با انتقاد از وضعیت نامطلوب بهره‌وری در کشور و نقش کم‌رنگ بخش خصوصی در سیاستگذاری‌ها، خواستار بازنگری در نگاه دولت به موضوع تاب‌آوری شد. متوسلیان گفت: در میان ۱۸۲ کشور، ایران رتبه ۱۷۴ را از نظر بهره‌وری دارد؛ یعنی ۱۷۴ کشور از ما بهره‌ورتر هستند. این آمار به‌روشنی نشان می‌دهد که مسیر فعلی مدیریت اقتصادی کشور نیازمند اصلاح جدی است.

او با طرح پرسش‌هایی درباره هدف دولت از طرح موضوع تاب‌آوری افزود: دولت با طرح تاب‌آوری دنبال چیست؟ سیاستگذاری وظیفه دولت است یا بخش خصوصی؟ آیا دولت پس از سال‌ها هنوز راهکار برون‌رفت از وضعیت فعلی را پیدا نکرده است؟ به نظر می‌رسد ما را به‌جای شریک، فقط ابزار اجرا در نظر گرفته‌اند. این فعال اقتصادی در ادامه با اشاره به فشارهای فزاینده بر بنگاه‌های شفاف گفت: بخش خصوصی با وجود همه مشکلات، بار اصلی اشتغال و تولید را بر دوش دارد. هر شرکتی که شفاف‌تر عمل کرده، دارایی بیشتری دارد و در نتیجه فشار بیشتری هم متحمل می‌شود. این وضعیت نه‌تنها عدالت‌بخش نیست بلکه ضد تولید است.



از تکنولوژی و فناوری روز دنیا بی‌بهره‌ایم و این مساله تأثیر مستقیم بر توان تولید و رقابت‌پذیری کشور دارد.

این‌ عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در ادامه با اشاره به بسته‌های حمایتی مطرح‌شده برای فعالان اقتصادی افزود: بسته‌های حمایتی نباید صرفاً معطوف به تخصیص بودجه باشند؛ بلکه باید بر تسهیل قوانین و مقررات در شرایط خاص کنونی تمرکز داشته باشند تا تولیدکننده و بخش خصوصی بتوانند با موانع کمتر فعالیت کنند.

منسجم و مطالبه‌گر باشیم

عبدالله یزدان‌بخش، عضو هیات نمایندگان اتاق مشهد و عضو کمیسیون صنعت، با تأکید بر ضرورت انسجام و همبستگی میان تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی، به نقش بخش خصوصی در جهت‌دهی تصمیمات اقتصادی کشور تأکید کرد. این فعال صنعتی خاطرنشان کرد: اگر ناامید شویم، کسی نیست که به داد ما برسد. باید منسجم باشیم و خود به معاونان و وزرای دولت مشورت دهیم که چگونه تصمیم گرفته و عمل کنند، زیرا تصمیمات آنان مستقیم بر وضعیت تولید و اقتصاد تأثیر می‌گذارد. او در ادامه با انتقاد از برخی قوانین و رویه‌های موجود افزود: بارها گفته‌ایم بسیاری از قوانین ضد تولید هستند. تولید نیاز به انگیزه دارد، نیاز به راهکار دارد؛ بدون ایجاد این بسترها، توسعه صنعتی کشور امکان‌پذیر نیست.

تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین

محمدحسن ابراهیمی یزدی، عضو انجمن اتوماسیون صنعتی، در ارائه‌ای با محوریت موضوع تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی، بر اهمیت تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای پایداری و مقابله با بحران‌ها تأکید کرد. ابراهیمی یزدی با اشاره به ضرورت نوسازی ساختارهای مدیریتی، فناوریانه بنگاه‌ها، افزود: در شرایط فعلی، تاب‌آوری صرفاً به معنای بقا نیست، بلکه به‌کارگیری ابزارهای

♥ تجربیات گذشته خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران: درسی از چرخه معیوب

شرکت ملی نفت ایران به عنوان بازوی اجرایی صنعت نفت کشور، نه تنها منبع اصلی درآمد‌های ارزی دولت است، بلکه نمادی از حاکمیت ملی بر منابع طبیعی به شمار می‌رود. طرح واگذاری سهام این شرکت که اخیراً در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفته، با هدف مولدسازی دارایی‌های دولت و تعمیق بازار سرمایه مطرح شده است. این طرح که در دولت‌های گذشته نیز مورد مطالعه بوده، می‌تواند نقطه عطفی در مسیر خصوصی‌سازی اقتصاد ایران باشد. اما تجربیات تلخ گذشته از خصوصی‌سازی‌های ناکارآمد، سولاتی جدی در مورد مزایا و معایب آن ایجاد کرده است. خصوصی‌سازی در ایران از دهه ۱۳۷۰ شمسی، به عنوان بخشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی و برنامه‌های توسعه، آغاز شد و هدف آن کاهش بار مالی دولت، افزایش کارآیی بنگاه‌ها و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بود. با این حال، اجرای این سیاست‌ها اغلب به جای ایجاد رقابت سالم، به چرخ‌های معیوب از رانت، فساد و انتقال دارایی‌ها به نهادهای شبه‌دولتی منجر شد. کارشناسان اقتصادی، پنج علت اصلی شکست خصوصی‌سازی را عدم شفافیت در قیمت‌گذاری، بی‌برنامگی، دخالت‌های دولتی مداوم، عدم جذب نقدینگی جدید و انتقال سهام به بنیادها و نهادهای خاص می‌دانند. برای مثال، در دهه ۸۰، واگذاری شرکت‌های بزرگ مانند ایران‌خودرو و سایپا نه تنها کارایی را افزایش نداد، بلکه به دلیل استفاده‌های اضافی دولتی و عدم تحول مدیریتی، سودآوری را کاهش داد. با وجود این، تجربیات موفق محدودی نیز وجود دارد؛ مانند واگذاری پالایشگاه کرمانشاه یا پتروشیمی بیستون که منجر به افزایش تولید و بهبود مدیریت شد. این تجربیات نشان می‌دهد که موفقیت خصوصی‌سازی وابسته به شفافیت، نظارت مستقل و جذب سرمایه‌گذاران واقعی است، نه صرف واگذاری سهام.

مزایای طرح واگذاری سهام شرکت ملی نفت: چشم‌اندازی برای تعمیق بازار و مولدسازی

با توجه به تجربیات گذشته، واگذاری سهام NIOC می‌تواند مزایای قابل‌توجهی به همراه داشته باشد، به شرطی که از اشتباهات تکراری اجتناب شود. نخست، این طرح می‌تواند به مولدسازی دارایی‌های دولت کمک کند و منابع مالی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی آزاد سازد. براساس برآوردها، ارزش سهام NIOC می‌تواند تا ۷۰ میلیارد دلار باشد که واگذاری آن ریسک شوک‌های قیمتی نفت (مانند آنچه اخیراً نیمه دوم سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی می‌شود) را کاهش دهد. دوم، تعمیق بازار سرمایه از طریق عرضه سهام در بورس، اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد و مشارکت مردمی در اقتصاد را تقویت می‌کند.

تجربیات موفق گذشته، مانند واگذاری سهام پتروشیمی‌ها، نشان داده که این رویکرد می‌تواند ظرفیت تولید را افزایش دهد و تأمین مالی زیرساخت‌های نفتی را تسهیل کند. همچنین، در سطح کلان، این واگذاری می‌تواند به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کند؛ جایی که مردم به جای دولت، سهامدار اصلی منابع ملی شوند و از درآمدهای نفتی به‌رمضند گردند. در مقایسه با تجربیات جهانی، مانند بزرگ‌ترین موفقیت خصوصی‌سازی موفق با تمرکز بر شفافیت انجام شد، ایران می‌تواند از این فرصت برای نوسازی صنعت نفت استفاده کند و کارآیی مدیریتی را ارتقا دهد. مشروط بر اینکه سهام به بخش خصوصی واقعی واگذار شود نه نهادهای شبه‌دولتی.

با وجود پتانسیل‌های مثبت، تجربیات گذشته هشدار جدی در مورد معایب این طرح صادر می‌کند. بزرگ‌ترین خطر، تهدید حاکمیتی ملی بر منابع استراتژیک است. NIOC نه تنها یک شرکت اقتصادی، بلکه نماد استقلال انرژی ایران است و واگذاری سهام آن می‌تواند کنترل دولت بر سیاست‌های خارجی و امنیت انرژی را تضعیف کند. در تجربیات گذشته، مانند واگذاری صنایع پالایش و پتروشیمی، عدم پرداخت بدهی‌های صندوق‌های بازنشستگی و افزایش ناکارآمدی منجر به حذف یارانه‌ها و اعتراضات اجتماعی شد. علاوه بر این، خطر فساد و رانت‌خواری همچنان بالاست. به جای بخش خصوصی، به نهادهای خاص منتقل شد که این امر رقابت را کاهش داد و سودآوری را مختل کرد.

لذا این هشدار را باید جدی گرفت که بدون نظارت مستقل و قیمت‌گذاری شفاف، این واگذاری می‌تواند به «خصوصی‌سازی از نوع ایرانی» یعنی انتقال به شبه‌دولتی‌ها تبدیل شود و مشکلات معیشتی خانوارها را تشدید کند. همچنین، در شرایط تحریرهای فعلی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی دشوار است و واگذاری داخلی ممکن است به تورم و نابرابری دامن بزند. طرح واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران، اگر با درس‌آموزی از تجربیات گذشته اجرا شود، می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین رخداد اقتصادی پس از ملی‌شدن نفت عمل کند و اقتصاد ایران را از وابستگی به نفت رها سازد.

مزایایی مانند شفاف‌سازی، افزایش تولید و مشارکت مردمی، پتانسیل تحول‌آفرینی دارند، اما معایبی چون خطر فساد، از دست دادن کنترل استراتژیک و تکرار الگوهای شبه‌دولتی، نیازمند نظارت دقیق و قوانین حمایتی است. پیشنهاد می‌شود که دولت با ایجاد کمیته‌های مستقل نظارت، اولویت‌دهی به واگذاری تدریجی و تمرکز بر بخش خصوصی واقعی، از این فرصت برای تحقق عدالت اقتصادی استفاده کند. در نهایت، موفقیت این طرح نه در واگذاری، بلکه در تحول واقعی مدیریتی نهفته است.

ژئوپلیتیک و فناوریانه دانست.

۱. بازگشت تجارت دریایی و افزایش نیاز به سوخت‌های سنگین

با عبور اقتصاد جهانی از بحران کرونا و افزایش صادرات در شرق آسیا، حجم تجارت دریایی رشد چشم‌گیری یافته است. اگرچه مقررات IMO ۲۰۲۰ استفاده از سوخت‌های پرگوگرد را محدود کرده، اما تقاضا برای نفت کوره کم‌گوگرد (VLSFO) در ناوگان کشتیرانی همچنان بالا رفته است. بسیاری از کشورها، به‌ویژه در خاورمیانه و جنوب شرق آسیا، از این سوخت برای تأمین انرژی ارزان حمل‌ونقل بین‌المللی استفاده می‌کنند.

۲. کمبود گاز طبیعی در بازار جهانی

در سال‌های اخیر، بحران‌های گازی به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، موجب شد کشورهای نظیر عربستان، عراق، بنگلادش و پاکستان دوباره به مصرف نفت کوره برای تولید برق روی آورند. این بازگشت اجباری به سوخت‌های سنگین، یکی از عوامل کلیدی رشد تقاضا بوده است.

۳. کاهش سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها و تغییر ترکیب فرآورده‌ها

در پی همه‌گیری کرونا، بسیاری از پروژه‌های پالایشی یا متوقف شدند یا با تأخیر روبه‌رو شدند. کاهش ظرفیت‌های جدید و تمرکز پالایشگاه‌ها بر حداکثرسازی خروجی اقتصادی موجب شد سهم نفت کوره در ترکیب فرآورده‌ها افزایش یابد.

۴. نقش روسیه و ایران در بازار فرآورده‌های سنگین

تجربیه‌ای غرب علیه روسیه و ایران باعث شد هر دو کشور بخشی از نفت خود را به شکل فرآورده‌های سنگین از جمله نفت کوره صادر کنند. صادرات این محصولات، به‌ویژه به بازارهای آسیایی و آفریقایی به رشد تقاضای جهانی دامن زده است.

۵. رقابت قیمتی و ملاحظات اقتصادی

در شرایط نوسان قیمت انرژی، نفت کوره همچنان یکی از ارزان‌ترین سوخت‌های قابل دسترسی است. برای بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، استفاده از نفت کوره راهی برای حفظ ثبات قیمتی در تولید برق، حمل‌ونقل و صنایع سنگین است.

سوخت جت و گازوئیل در مسیر انقباض

درحالی‌که روند عرضه نفت کوره صعودی بوده، دو سوخت اصلی دیگر با افت یا رکود تقاضا مواجهند. صنعت هوایی جهان، هرچند پس از بحران کرونا روندی افزایشی در پیش گرفته، اما هنوز به سطح مصرف ۲۰۱۹ نرسیده است. رشد کند سفرهای بین‌قاره‌ای، افزایش قیمت بلیت و نگرانی‌های زیست‌محیطی از دلایل اصلی عقب‌ماندگی تقاضای سوخت جت است. گازوئیل نیز، با وجود اینکه در حمل‌ونقل زمینی و صنعت نقش کلیدی دارد، تحت فشار افزایش بهرهوری خودروها و رشد خودروهای الکتریکی با کاهش نسبی روبه‌رو شده است. در اروپا و چین، سیاست‌های جدید برای کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن، سهم دیزل را در ناوگان حمل‌ونقل کاهش داده است.

پیامدهای بازگشت نفت‌کوره

افزایش تقاضای نفت کوره پیامدهایی چند وجهی دارد. از یک‌سو، این روند می‌تواند برای کشورهای صادرکننده نفت سنگین و فرآورده‌های مرتبط، از جمله ایران، عربستان و روسیه، فرصت درآمدی تازه‌ای ایجاد کند. از سوی دیگر، این رشد نشان می‌دهد که گذار جهانی به انرژی پاک هنوز از نظر زیرساختی، اقتصادی و فنی به بلوغ نرسیده است. بازار جهانی انرژی در وضعیتی دوگانه قرار دارد: از یک‌سو کشورها تعهدات اقلیمی را دنبال می‌کنند و از سوی دیگر، در عمل برای تأمین انرژی خود هنوز به سوخت‌های فسیلی متکی‌اند. در چنین شرایطی، نفت کوره می‌تواند نقشی موقت اما حیاتی در حفظ توازن عرضه و تقاضا ایفا کند.

چشم‌انداز آینده

اگر شرایط فعلی ادامه یابد، بر اساس روندهای کنونی، پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی نفت کوره تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۷ میلیون بشکه در روز برسد. این میزان، در صورت ادامه فشارهای ژئوپلیتیک، کمبود گاز و افزایش تجارت جهانی، حتی می‌تواند بیشتر شود. با این حال، تهدیدهایی نیز در پیش است: توسعه فناوری‌های سوخت‌های جایگزین در صنعت کشتیرانی مانند آمونیاک و LNG، گسترش پالایشگاه‌های پیچیده‌تر و مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تر می‌تواند از نیمه دوم دهه جاری، روند رشد نفت کوره را کند کند.

بازگشت غیرمنتظره نفت کوره به مرکز توجه بازار جهانی انرژی، بیش از آنکه نشانه شکست انرژی‌های پاک باشد، یادآور واقع‌گرایی اقتصادی در دوران گذار انرژی است. جهان هنوز در مرحله‌ای است که حذف کامل سوخت‌های فسیلی نه از نظر اقتصادی و نه از نظر فنی ممکن نیست. در واقع، رشد تقاضای نفت کوره نشان می‌دهد کشورها، به‌ویژه اقتصادهای نوظهور، در مسیر گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر با ملاحظات امنیت انرژی، قیمت و دسترسی مواجه‌اند. تا زمانی که این چالش‌ها پابرجا بماند، سوخت‌هایی چون نفت کوره، برخلاف تمام پیش‌بینی‌های پیشین، همچنان بخشی ضروری در معادله انرژی جهان باقی خواهند ماند.

مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی اعلام کرد: این مجتمع با تکیه بر توان داخلی و برنامه‌ریزی دقیق، تولید پایدار گاز را ادامه می‌دهد.

غلامعباس حسینی در نشست بررسی روند تعمیرات اساسی، گفت: پارس جنوبی با دریافت بیش از ۱۱ میلیارد مترمکعب خوراک از سکوها دریایی و تزریق ۹۶میلیارد مترمکعب گاز شیرین به شبکه سراسری، با تکیه بر توان داخلی و برنامه‌ریزی دقیق توانسته است، تولید پایدار گاز را بدون وقفه ادامه دهد و جایگاه مهم‌تر را به‌عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده گاز کشور بیش از پیش تقویت کند. وی با اشاره به آغاز نخستین مرحله تعمیرات اساسی در پالایشگاه‌های دوم و دوازدهم افزود: این تعمیرات طبق برنامه و بدون تأخیر در حال اجراست و ۲۷ مهر به پایان می‌رسد. اجرای این عملیات نقش تعیین‌کننده‌ای در آمادسازی پالایشگاه‌ها برای فصل سرما دارد.

مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی ادامه داد: مجتمع گاز پارس جنوبی بیشترین سهم را در تأمین انرژی بخش‌های خانگی، صنعتی و نیروگاهی کشور بر عهده دارد. اهمیت این مجموعه در شرایطی بیشتر نمایان می‌شود که هرگونه اختلال در تولید آن می‌تواند به‌طور مستقیم بر زندگی روزمره مردم و روند فعالیت صنایع اثرگذار باشد.

فرمول زودبازده حمایت از حمل‌ونقل

نشأت گرفته از نبود یک الگوی فکری منسجم و واحد و بیشتر براساس آزمون و خطا بوده، منجر به دست‌اندا‌زهای این تبصره برای رونق تولید و اشتغال‌زایی شد. با وجود ایرادهای وارده به این تبصره، اما مزایای آن نیز قابل چشم‌پوشی نبود. مهم‌ترین کارکرد این تبصره حمایت از تولید و اشتغال بوده؛ همچنین می‌توانست دسترسی به خدمات بانکی را تسهیل کند، منجر به تقویت پروژه‌های زیرساختی و عمرانی شود و مشارکت بخش خصوصی را افزایش دهد.

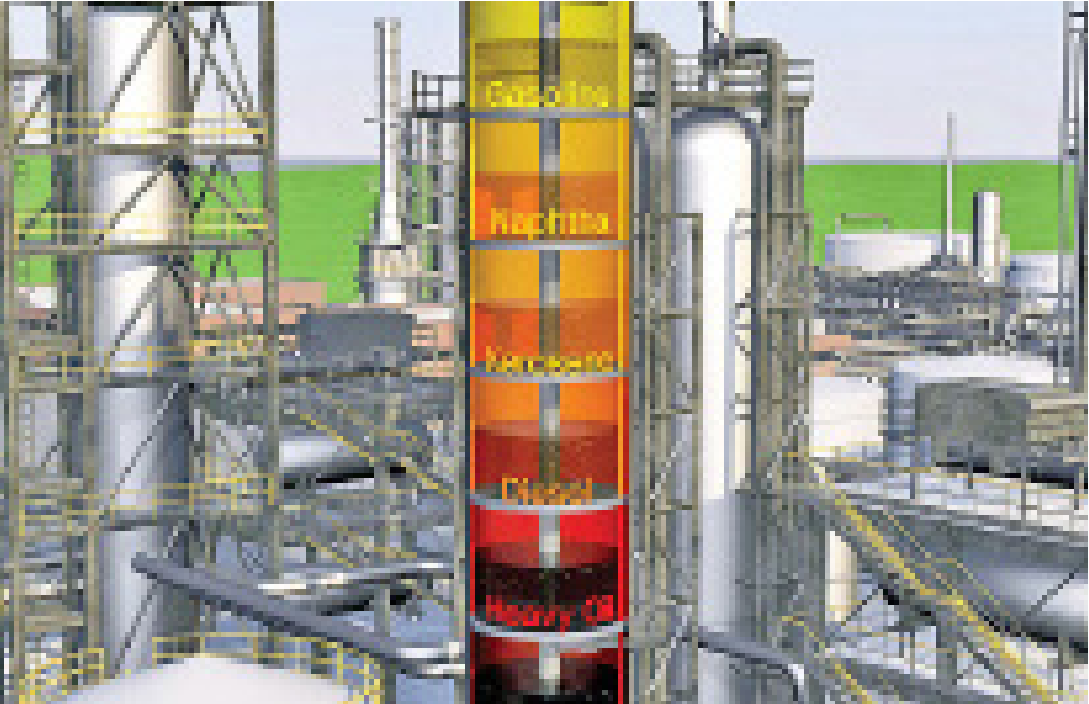
سهم مدهای حمل‌ونقل

به گزارش «دنیای اقتصاد»، حوزه حمل‌ونقل از جمله صناعی‌ی بود که می‌توانست از مزایای تبصره ۱۸ استفاده کند. بررسی «دنیای اقتصاد» از تبصره‌های ۱۸ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد، حمل‌ونقل یکبار و در سال ۱۳۹۷ در بندهای این تبصره به صورت مستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. این طرح‌های حمل‌ونقل عمومی و ریلی از جمله «جایگزینی خودروهای عمومی و ماشین‌آلات کشاورزی فرسوده» فعالیت‌های مشمول این آیین‌نامه بوده‌اند. اما مهم‌ترین مصادیق تبصره ۱۸ در بخش حمل‌ونقل در دو مد ریلی و جاده‌ای بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۹، تأمین مالی ۲۴ دستگاه ناوگان ریلی از محل تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۹۷ انجام شد. در سال ۱۴۰۱ نیز تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاران صنعت ریلی از محل این تبصره در نظر گرفته شد که به گفته سیدحسن موسوی قائم‌مقام مدیرعامل شرکت راه‌آهن، این اعتبار برای سال‌ال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز پیش‌بینی شده و مراحل اجرایی آن در حال انجام است. شرکت راه‌آهن در سال ۱۴۰۳ نیز اعلام کرد با هدف افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در چارچوب تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۲، تسهیلات کم‌بهره به شرکت‌های سازنده و خریداران ناوگان و ماشین‌آلات و تجهیزات زیربنایی پرداخت می‌کند.

در بخش جاده‌ای نیز این تسهیلات به گروه‌های متقاضی در برخی استان‌ها تعلق پیدا کرد. استان‌های خراسان جنوبی، همدان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، هرمزگان و گلستان، از جمله استان‌هایی بودند که فراخوان ثبت‌نام برای استفاده از وام‌های تبصره ۱۸ عمدتاً با هدف نوسازی و تعمیرات ناوگان حمل‌ونقل عمومی بین شهری در آنها ارائه شد. این فراخوان‌ها در سه سال اخیر از محل تسهیلات تبصره ۱۸ در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ بوده‌اند.

تجربه جهانی از حمایت دولتی

تجربه پرداخت تسهیلات از محل بودجه به سرمایه‌گذاران عمومی و خصوصی در جهان، خروجی‌های بسیار خوبی داشته است. در اروپا، (Connecting Europe Facility) CEF) برنامه‌ای است که اتحادیه اروپا در نظر گرفته و کمک‌های مالی را برای توسعه حمل‌ونقل عمومی در قالب وام‌های کم‌بهره ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۲۵، از میان ۲۵۸ پروپوزال ارائه شده برای دریافت تسهیلات، ۹۴ پروژه واجد شرایط اخذ وام‌های کم‌بهره از اتحادیه اروپا شناخته شدند که در مجموع ۲میلیارد و ۸۰۰میلیون یورو تسهیلات دریافت خواهند کرد. گفتنی است بیش از ۷۵ درصد از این تسهیلات به بخش ریلی اختصاص پیدا کرده است. آمریکا نیز برنامه Transportation Infrastructure Finance and Innovation Act (TIFIA)، وام‌های بلندمدت و کم‌بهره و انواع کمک‌های اعتباری به سرمایه‌گذاران



اوج‌گیری تقاضای نفت‌کوره

۴ لیلایلیلو
د – در میانه موج جهانی گذار به انرژی‌های پاک و در روز گاری که بسیاری از کشورها سیاست‌های «کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی» را به‌عنوان شعار اصلی خود برگزیده‌اند.

بر اساس آخرین گزارش میان‌مدت آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی برای نفت کوره (Residual Fuel Oil) در سال ۲۰۲۵، ۲ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۹ خواهد بود. این در حالی است که تقاضای بنزین تنها ۲ درصد رشد نشان می‌دهد و دو سوخت مهم دیگر، یعنی سوخت جت و گازوئیل، همچنان زیر سطح مصرف پیش از کرونا باقی مانده‌اند. این تغییر مسیر، تنها یک آمار ساده نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از جابه‌جایی تدریجی توازن در الگوی مصرف جهانی انرژی. بازگشت نفت کوره، پرسشی اساسی را پیش روی سیاستگذاران و ناظران بازار قرار داده است: چرا سوختی که قرار بود از گردونه خارج شود، دوباره نقش‌آفرین شده است؟

تغییر مسیر پیش‌بینی‌ها

در سال ۲۰۲۰، زمانی که بازار جهانی نفت هنوز در شوک کاهش تقاضای ناشی از کرونا فرو رفته بود، آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش خود موسوم به «Oil ۲۰۲۰» تصویری نسبتاً ثابت از آینده ترسیم کرده بود. طبق آن گزارش، انتظار می‌رفت تقاضای جهانی برای بنزین از ۲۶میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ به ۲۷میلیون بشکه در ۲۰۲۵ برسد (رشد ۴ درصدی)، گازوئیل از ۲۹ به ۳۰میلیون بشکه در روز (رشد ۳.۴ درصدی) و سوخت جت نیز با افزایش ۶ درصدی به ۹میلیون بشکه در روز برسد. در این میان، نفت کوره کم‌اهمیت‌ترین سوخت پیش‌بینی شده بود، با رشدی کمتر از ۲ درصد تا سال ۲۰۲۵. اما در گزارش تازه «Oil ۲۰۲۵»، تمام معادلات تغییر کرده است.

اکنون برآورد می‌شود که مصرف جهانی نفت کوره تا سال ۲۰۲۵ به ۵میلیون بشکه در روز برسد. در حالی که در سال ۲۰۱۹ تنها ۲میلیون بشکه بود. به بیان دیگر، نفت کوره برخلاف تصور اولیه، بسیار سریع‌تر از پیش‌بینی‌های سال ۲۰۲۰ رشد کرده است. در مقابل، تقاضای گازوئیل در همان بازه زمانی ۱.۴ درصد کاهش یافته و مصرف سوخت جت نیز با وجود بازایی سفرهای هوایی، هنوز ۲.۵ درصد کمتر از سطح پیش از کرونا است. حتی رشد بنزین نیز از سطح متوسط فراتر نرفته و به سستی به ۲ درصد رسیده است.

دلایل صعود دوباره نفت‌کوره

نفت کوره یا Residual Fuel Oil یکی از سنگین‌ترین فرآورده‌های نفت خام است که پس از مراحل پالایش و جداسازی سوخت‌هایی مانند بنزین و گازوئیل باقی می‌ماند. این سوخت به دلیل چگالی و نقطه جوش بالا، بیشتر در نیروگاه‌ها برای تولید برق، در کشتی‌ها به‌عنوان سوخت دریایی و در برخی صنایع سنگین مانند سیمان و فولاد استفاده می‌شود. نفت کوره به‌طور کلی سوختی ارزان اما آلاینده است و در کشورهای در حال توسعه همچنان نقش مهمی در تأمین انرژی ایفا می‌کند. رشد غیرمنتظره تقاضا برای نفت کوره را می‌توان حاصل هم‌زمانی چند روند اقتصادی،



تداوم تولید پایدار گاز پارس جنوبی

حذف تبصره ۱۸ بودجه کل کشور که یکی از کارکردهای آن، ارائه تسهیلات به حوزه حمل‌ونقل بود، نیازمند تعریف جایگزینی برای پشتیبانی از این صنعت است. در حال حاضر عدم تمایل سرمایه‌گذاران به حضور در بخش حمل‌ونقل به دلایلی همچون نبود مشوق‌های مناسب با توجه به زمان طولانی ساخت یا گشت سرمایه، آورده‌ای جز عقب‌ماندگی توسعه مدهای مختلف حمل‌ونقل را به دنبال نداشته است.

محمدجواد شاهجویی، کارشناس حوزه حمل‌ونقل معتقد است، دولت باید دست خود را از نظام قیمت‌گذاری و به هم ریختن اقتصاد حمل‌ونقل بیرون بکشد و نقش خود را از «قیمت‌گذار» به «تنظیم‌گر» تغییر دهد؛ اقدامی که به زعم او به تنهایی هم می‌تواند به افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در صنعت حمل‌ونقل منجر شود. افزون بر این، پیش‌بینی جایگزین برای مشقو‌ها و تسهیل‌گرهای قانونی در این صنعت نظیر تبصره ۱۸ باید در دستور کار سیاستگذار ارشد بخش حمل‌ونقل قرار گیرد.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه حمل‌ونقل راهی برای خروج بن‌بست توسعه شبکه حمل‌ونقلی کشور است. سرمایه‌گذاران با حضور در این بخش می‌توانند به توسعه پایدار زیرساخت‌های حمل‌ونقل کمک کنند، فرصت اشتغال‌زایی را تقویت کنند و توسعه عمومی کشور را سرعت بخشند. در کشور ما با وجود توسعه نسبتاً قابل قبول زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی، اما در بخش ناوگان این صنعت با کمبودهای جدی روبه‌رو است؛ به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۰درصد اتوبوس‌های کشور فرسوده است و ۸۰۰واگن فرسوده نیز در سال‌های اخیر از مدار خدمت‌رسانی خارج شده است. در کشورهای توسعه‌یافته تسهیلات و خدمات متفاوتی برای کمک به حضور سرمایه‌گذاران در بخش حمل‌ونقل در نظر گرفته می‌شود، در کشور ما نیز تسهیلات تبصره ۱۸ قانون بودجه کشور یکی از مصادیق اعطای کمک‌های کم‌بهره بانکی برای احیا و بازسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی است.

تعلیق تبصره ۱۸

با وجود آنکه بخش اصلی سرمایه‌گذاری حمل‌ونقل در کشور به‌ویژه در حوزه زیرساخت، از بودجه‌های دولت تأمین می‌شود و حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی این صنعت چندان موفقیت‌آمیز نبوده است، تبصره ۱۸ قانون بودجه کل کشور، به عنوان یکی از راه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، از سال ۱۳۹۶ به قوانین بودجه راه پیدا کرد.

ایسن تبصره بندهای اعتباری هرچند اندک اما سازنده‌ای را برای بازسازی ناوگان حمل‌ونقل فراهم کرد. این بند به‌منظور رونق تولید و تجمیع منابع حمایتی در این بخش به عنوان یک تبصره به بودجه سالانه کشور اضافه شد تا تسهیلات را با نرخ ترجیحی برای حمایت از رونق تولید اختصاص دهد. این تبصره بر حمایت از اشتغال و تولید تمرکز داشت اما در مدت کوتاه اجرا، چرخش‌های سیاستی متعددی در بخش‌های مختلف از رویکرد گرفته تا متولی اجرا، ساختار اجرا، ترکیب و میزان منابع داشته است.

این تبصره در نهایت با گذشت هفت سال از اجرا، از سال ۱۴۰۳ از بودجه سالانه کشور حذف شد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که به آسیب‌شناسی بند «الف» این تبصره در حمایت از تولید و اشتغال پرداخته، به این موضوع اشاره کرده است که با وجود تغییراتی که هر ساله بر این بند از بودجه تحمیل شد، اما به دلیل چالش‌های متعدد در رویکردهای حاکم بر این تبصره، همچنین ضعف بدنه اجرایی و سیاستگذاری در کشور، اثربخشی و عملکرد موثقی از آن دیده نمی‌شود. چرخش‌های سیاستی در این تبصره که

✚ خرد جمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیای‌اقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسئول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سویی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌قوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را ناهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستگاه دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده ام‌سور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر توسعه‌ی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جزء، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نی‌باز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاهداری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود. ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدرشناسی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستند. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تأثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسئول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم. او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در تراز ی جهانی افزود: این رویداد در سال جاری بسا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.



سیاست یکسان در تالارهای متفاوت

✚ عرشیا حسن پور – تالار دوم مرکز مبادله باهدف کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و بازگرداندن ارز حاصل از آن را افزایش دهد.

تالار دوم مرکز مبادله با هدف کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد تشکیل شد تا انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و بازگرداندن ارز حاصل از آن را افزایش دهد. با این حال، پس از اولین شوک ارزی، آثار شکست احتمالی این طرح نیز مشاهده شد. کارشناسان معتقدند تا زمانی که دولت مکانیسم بازار را نپذیرد و بر قیمت‌گذاری اصرار داشته باشد، نتایج سیاست‌های جدید، مشابه نمونه‌های قبلی خواهد بود و تنها یک نرخ ارز دولتی دیگر به لیست بلند قبلی اضافه خواهد شد.

مرضیه احق‌قایی: تالار دوم بازار ارز تجاری به منزله ایجاد بازاری «تیمه‌آزاد» برای گروه‌های کالایی غیرانرژی و غیرفلزی است. با توجه به قوانین و مقررات پیمان‌سپاری ارزی، از آنجاکه فاصله گرفتن قیمت دلار در بازار آزاد و بازار رسمی به چالش جدی و سدی محکم در مسیر صادرات بدل شده، انتظار می‌رود فروش ارز حاصل از صادرات در تالار دوم به مشوقی در جهت ارتقای صادرات و فروش محصولات تولید داخل در بازار بین‌المللی بدل شود. درهمین‌حال با توجه به گلابه واردکنندگان از فرایند تخصیص ارز، این تالار می‌تواند روند واردات و تأمین ارز مورد نیاز آن را تسریع کند. با این‌وجود بررسی‌های «دنیای اقتصاد» حکایت از آن دارد که همچنان دخالت بانک مرکزی در بازار ارز در تالار دوم مشاهده می‌شود. در این شرایط همچنان انگیزه تجار برای عرضه ارز حاصل از صادرات پایین است. این روند به ویژه در موقعیت حساس کنونی حاکم بر اقتصاد ایران و با تشدید تحریم‌ها، نمی‌تواند مانع رشد صادرات از مسیرهای غیررسمی شود. بنابراین کاهش حداکثری دخالت دولت در این بازار ضروری به نظر می‌رسد.

تالار دوم مرکز مبادله طلا و ارز، سامانه‌ای است که بانک مرکزی با هدف تنظیم و ساماندهی بازار، شفاف‌سازی معاملات، تسهیل ایفای تعهدات صادرکنندگان، و ایجاد توازن در عرضه و تقاضای ارز به جریان انداخته و انتظار می‌رود نقش مکمل در کنار تالار اصلی ایفا کند. انتظار می‌رفت با راه‌اندازی تالار دوم بازار ارز تجاری، فصل جدیدی در سیاستگذاری ارزی کشور آغاز شود. بانک مرکزی در اطلاعیه خود تأکید کرد که تأمین ارز برای واردات بخشی از کالاهای ضروری کشور، از این پس تنها از محل منابع ارزی صادراتی که در تالار دوم عرضه می‌شود، امکان‌پذیر خواهد بود.

گفتنی است چندی پیش محمد آرام رئیس مرکز مبادله طلا و ارز در جمع روسای اتاق‌های سراسر کشور تأکید کرد: «بازار دوم ارز براساس توافق صادرکننده و واردکننده و بدون دخالت در نرخ‌گذاری و برای صادرات خرد بخش خصوصی طراحی شده است.» گفتنی است براساس اظهارات فعالان حوزه صادرات نرخ دلار در تالار دوم طی هفته‌های اخیر در محدوده ۸۰ تا ۹۵ هزار تومان نوسان داشته است.

درهمین‌حال باید یادآور شد که در هفته‌های اخیر رئیس کل بانک مرکزی خبر از افزایش عرضه ارز در بازار دوم مرکز مبادله با نرخ توافقی داد. فریزن گفت: «برنامه توسعه صادرات در دولت تهیه شده و با وزارت صنعت در حال پیگیری آن هستیم. بر این اساس، عرضه ارز برخی

کالاهای صادراتی در بازار دوم مرکز مبادله با نرخ توافقی افزایش می‌یابد. به دنبال این هسستیم تا ارز برخی صنایع فلزی و فولادی، حتی برخی صنایع وابسته به پتروشیمی برای بالا بردن مریت صادراتی در بازار دوم مرکز مبادله عرضه شود. البته درباره عرضه ارز در بازار دوم باید بر این نکته تأکید کرد که اصلاحات در حوزه ارزی نباید شوک‌آور باشد و حتما باید این اصلاحات را تدریجی و مدیریت شده انجام دهیم تا آثار تورمی آن را مدیریت کنیم.»

در روزهای اخیر نیز محمدعلی دهقان دهنوی رئیس سازمان توسعه تجارت بر تداوم ارزی‌نهی میان سازمان توسعه تجارت ایران با بانک مرکزی تأکید کرد و گفت: در تلاش هستیم بخشی از کالاهای صادراتی که ملزم به عرضه ارز خود در تالار اول مرکز مبادله هستند، به تالار دوم منتقل شوند تا صادرکنندگان بتوانند منافع بیشتری از ارز صادراتی خود کسب کنند. در ادامه سیاستگذار به دنبال تسهیل روند بهره‌مندی تجار از سامانه‌های ارزی است. نیمه نخست شهریور ماه خبری مبنی بر اتصال سیستم بازارگاران به بازار ارز تجاری منتشر شد. طبق اعلام مرکز مبادله ایران، بازارگان فعال در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران از این پس می‌توانند از طریق پلتفرم اختصاصی این مرکز به سامانه معاملاتی این بازار دسترسی یابند؛ این اقدام با هدف تسهیل فرآیندهای تجاری و افزایش شفافیت در معاملات ارزی صورت گرفته است. بازارگان می‌توانند با استفاده از این سامانه، امکانات متعددی شامل ثبت سفدوچو و فیلتر مجوزهای خرید و فروش، محاسبه کارمزدها، مشاهده جزئیات مجوزها و سفارشات و رصد وضعیت عملیات سفارش‌گذاری را به صورت یکپارچه مدیریت کنند. با این‌وجود فعالان عرصه تجارت بر کاهش فاصله میان نرخ دلار در بازارهای رسمی و غیررسمی تأکید دارند و آن را تنها راهکار کاهش رانت عنوان می‌کنند.

گفتنی است با آغاز به‌کار سامانه ارز تجاری مقرر شد صادرکنندگان محصولات کشاورزی، شرکت‌های دانش‌بنیان و برخی گروه‌های کالایی به‌جز نفت، گاز، پتروشیمی، مس و فولاد، امکان عرضه ارز صادراتی خود را با نرخ‌های بالاتر و شناورتر در تالار دوم خواهند داشت. اما در حال حاضر پس از تشدید تحریم‌های حاکم بر اقتصاد ایران در سلبه فعال شدن مکانیسم ماشه، معاون ارزی بانک مرکزی، از مذاکرات این بانک با صنایع فولادی و پتروشیمی خبر داد. البته در ادامه اخبار ضدونقیضی در این خصوص منتشر شد و هنوز شاهد عملیاتی شدن این وعده نبوده‌ایم. چنانچه عرضه ارز توسط صنایع بزرگ در تالار دوم عملیاتی نشود، این سیاست مشوق صادرات و ارزآوری خواهد بود؛ هرچند احتمالاً افزایش عرضه، به تنظیم‌گری هر چه بیشتر بهای دلار در تالار دوم منجر خواهد شد.

فاصله جدی تالار دوم از هدف

مرتضی کوهنورد عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» و در ارزیابی عملکرد تالار دوم مرکز مبادله اظهار کرد: بهای دلار در تالار دوم کمتر از نرخ آن در بازار آزاد و بیشتر از بهای

تعیین شده در تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا است. تالار دوم بازار ارز تجاری با اهداف کلانی چون شفاف‌سازی معاملات ارزی، کاهش نوسانات بازار، واقعی شدن معاملات بازار ارز و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور انجام شده است. درهمین‌حال انتظار می‌رفت کشف نرخ در این بازار بر اساس توافق واردکننده و صادرکننده تعیین شود. وی افزود: هر روزهایی که قیمت دلار در بازار آزاد به حدود ۱۱۰هزار تومان رسیده بود، بهای دلار در تالار اول مرکز مبادله نیز حدود ۷۱ هزار تومان بود؛ قیمت این اسکانس در تالار دوم حدود ۸۳ تا ۸۴ هزار تومان بود. یعنی همچنان فاصله قیمتی قابل‌توجهی میان نرخ ارز در بازار آزاد و تالار دوم به چشم می‌خورد.

کوهنورد گفت: صادرکننده هزینه تولید محصولات خود و همچنین سایر هزینه‌های جاری را براساس روند رو به رشد نرخ تورم می‌پردازد. تورم نیز در سال‌های اخیر به تابعی از نرخ ارز تبدیل شده است. در چنین شرایطی الزام به بازگشت و فروش ارز با قیمت تعیین شده از سوی دولت که به‌مراتب پایین‌تر از قیمت واقعی آن است، نتیجه بخش نیست. صادرات با الزامات پیمان سپاری ارزی صرفه اقتصادی ندارد. در چنین فضای بسیاری از صادرکنندگان توان تداوم فعالیت در بازار صادراتی را نخواهند داشت. به بیان دیگر تنها گروه‌هایی که از رانت و حمایت دولت با مزیت رقابتی و پتانیه بهره‌مند هستند، امکان حضور موفقیت‌آمیز در بازار جهانی را خواهند یافت. این فعال حوزه واردات افزود: در حال حاضر هنوز بروکرسی حاکم بر خریدوفروش ارز در تالار دوم مرکز مبادله قابل‌توجه است. بانک‌های عامل نیز هنوز با این بروکرسی همگام و همسو نشده‌اند. وی در ادامه گفت: انتظار می‌رفت خریدوفروش ارز در تالار دوم در تقابل مستقیم میان واردکننده و صادرکننده باشد. سامانه طراحی شده توسط مرکز مبادله نیز محلی ثبت اطلاعات طرفین و معاملات باشد. اما در حال حاضر شاهد دخل و تصرف غیرمستقیم از سوی نهادهای تصمیم‌ساز در حوزه ارز هستیم. روافع صادرکننده از طریق بانک عامل اقدام به عرضه ارز می‌کند. واردکننده نیز در خواست خرید خود را در سامانه ثبت می‌کند. در این میان مرکز مبادله براساس حدود معاملات ارزی که عمدتاً توسط شرکت‌های دولتی و خصوصی است، نرخي را برای قیمت ارز در تالار دوم تعیین می‌کند. روافع به گفته بانک عامل، مرکز مبادله حدود قیمت را اعلام می‌کند. به این ترتیب باید اقرار کرد که هنوز امکان معامله و مذاکره و توافق مستقیم میان واردکننده و صادرکننده، میسر نیست. این فعال حوزه تجاری افزود: البته رشد قیمت ارز و بهره‌مندی از فضای تالار دوم مرکز مبادله به تسریع در فرآیند تخصیص ارز منتهی شده است. هرچند چالش‌های جدیدی در این مسیر به چشم می‌خورد که فرآیندهای تجاری را دشوار می‌کند.

وی به فرآیند بهینه‌سازی مصرف ارز اشاره کرد که طی ماه‌های اخیر توسط وزارت صمت مطرح شده و اجرایی می‌شود و گفت: واردکننده برای تأمین این موردنیاز واردات اقدام به ثبت‌سفارش می‌کند. اما قبل از مرحله تخصیص ارز، وزارت صمت میزان واردات یا تخصیص ارز محصول ثبت شده را بررسی می‌کند. درنتیجه ممکن است به فردی که چندین سال در حوزه واردات یک محصول فعالیت داشته، امکان ورود آن به کشور را ندهند. چراکه پیش از شما فرد با مجموعه دیگری اقدام به واردات از آن کشور کرده است. وزارت صمت معتقد است این اقدام با هدف ایجاد تعادل در بازار اجرایی می‌شود اما در عمل چالش‌های بسیاری را به دنبال خواهد داشت. وی در پایان گفت: در موقعیت کنونی بازنگری در سیاست‌های تخصیص ارز ضروری برای تداوم تولید و تأمین کالاهای مورد نیاز مردم است.

دخالت سازمان های دولتی در بازار ارز تجاری

صدralدین نیاورانی نایب رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی عملکرد تالار ارز تجاری گفت: اقدامات انجام گرفته توسط مرکز مبادله ایران با هدف تسهیل فعالیت تجار در بازار ارز اجرایی شده است. انتظار می‌رفت راه‌اندازی تالار دوم به مبادله مستقیم از میان واردکنندگان و صادرکنندگان منجر شود. با این‌وجود هدف یاد شده در عمل اجرایی نشده است. چراکه همچنان شاهد دخالت دولت برای اثرگذاری در قیمت ارز هستیم. این فعال تجاری گفت: خریدوفروش ارز در فضای تعاملی و عرضه و تقاضا به‌منزله عدم دخالت دولت و نهادهای دولتی در این فرایند است. خروج دولت از فرآیند قیمت‌گذاری به منزله تسهیل صادرات است. در شرایطی که نهادهای تصمیم‌گیر صادرکننده را ملزم به بازگشت ارز حاصل از صادرات با قیمت غیرواقعی و بسیار پایین می‌کنند، از انگیزه و سودآوری فروش محصولات ایرانی در بازار بین‌المللی کاسته خواهد شد.

وی افزود: بخش بزرگی از صادرات کشور توسط شرکت‌ها و نهادهای دولتی یا وابسته به دولت انجام می‌شود. بنابراین بخش جدی از این ارزآوری نیز توسط شرکت‌های وابسته به دولت است. در چنین شرایطی دولت با عرضه ارز توسط این مجموعه‌ها، عملاً قیمت دلار را در بازار دوم نیز تحت کنترل در می‌آورد. فاصله قیمتی میان ارز در بازار آزاد و تالار دوم مرکز مبادله نیز همچنان قابل‌توجه است. به این ترتیب از عملکرد و کارایی این بازار کاسته خواهد شد. تلاش دولت برای کنترل قیمت دلار در نهایت به نفع تولید و تجارت نیست، چراکه از انگیزه صادرات کاسته خواهد شد. این فعال عرصه تجارت گفت: سیاست‌های ارزی توسط بانک مرکزی اتخاذ و اجرایی می‌شود. بانک مرکزی نیز کنترل قیمت را از و اولویت خود قرار داده است. تجار نیز توقع حمایت از صادرات را توسط بانک مرکزی ندارند. با اینن وجود از وزارت صنعت، معدن و تجارت و همچنین سازمان توسعه تجارت ایران انتظار می‌رود مسیر تجاری کشور را هموار کند. به‌ویژه آنکه سیاست‌های ارزی بانک مرکزی همواره لطمات جدی را به تولید و تجارت کشور تحمیل کرده است.

نایب رئیس کمیسیون صادرات گفت: در حال حاضر با فعال شدن مکانیسم ماشه، تحریم‌های جدی‌تری علیه اقتصاد کشور اعمال خواهد شد. در چنین فضای طبعاً از سیاستگذاران انتظار می‌رود در مسیر تسهیل فرآیندهای تجاری و حضور موفق و رقابت‌پذیر تولیدات ایرانی در بازار رقابت جهانی تلاش کنند. با توجه به نیاز کشور به ارز و همچنین چالش‌های پیرامون صادرات و بازگشت ارز به کشور، انتظار جدی می‌رود ارز از لیست کالای قاچاق خارج شود.

نیاورانی گفت: صادرکنندگان به دلایل متعددی ازجمله تحریم و محدودیت در تعاملات مالی و بانکی با دنیا، در مواردی نمی‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازگردانند. در چنین شرایطی قرار دادن صادراتکنندگان در لیست قاچاقچیان و برخورد قانونی با آنها به منزله تحمیل خسارت به اقتصاد کشور است. درهمین‌حال از سیاستگذار انتظار می‌رود آزادسازی قیمت ارز را به‌طور جدی دنبال کند. تحمیل فشار از سوی بانک مرکزی و سایر نهادهای برای تثبیت غیرواقعی نرخ دلار، مانع صادرات و ارزآوری است. با این‌وجود ما در طول سالیان گذشته شاهد دخالت مستقیم دولت و بانک مرکزی در قیمت ارز بوده‌ایم. گاهی قیمت دلار پایین نگه داشته می‌شود و در برخی موارد نیز با هدف جبران کسری بودجه قیمت ارز افزایش می‌یابد. این اقدامات با سیاست‌های تجاری همخوانی ندارد و چالش‌ز هستند. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که دخالت مستمر دولت در بازار ارز چالش‌ساز و رانت‌زا است. بنابراین بازنگری در این شرایط ضروری به‌نظر می‌رسد.

توسعه صادرات غیرنفتی با همراهی بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین اهدافی است که توسط دولت چهاردهم دنبال می‌شود. درهمین‌حال مذاکراتی برای عقد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و آزاد در انجام است. در این میان سازمان توسعه تجارت نیز به‌عنوان یکی از متولیان بخش تجارت کشور به دنبال ارتقا روابط با نهادهای موثر در حوزه تجارت است.

محمدعلی دهقان دهنوی معاون وزیر صمت در نشستی که با عنوان «صادرات و بازارهای بین‌المللی» برگزار شد، گفت: کشورهای موفق، دیپلماسی تجاری را ابزاری کلیدی در توسعه اقتصادی خود می‌دانند و رؤسای کشورها شخصاً در مذاکرات تجاری بزرگ حضور دارند. ایران نیز در حال مذاکره با ۶ کشور برای امضای موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد است و بخش قابل‌توجهی از روابط سیاسی کشور حول محور تجارت شکل گرفته است. به گزارش مهر رئیس سازمان توسعه تجارت با بیان اینکه برای هر اعزام هیات تجاری باید برنامه‌ریزی دقیق داشته باشیم، گفت: کارگروه‌های برای ۲۰ شرکت تجاری اول تشکیل خواهد شد تا نقشه راه مشخص شود.

در ادامه مجید صمدزاده، مدیر کل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه، گفت: وزارت امور خارجه همواره در کنار بخش خصوصی قرار دارد و این سیاست دستور مستقیم رئیس‌جمهور است. او با اشاره به مشکلات صادرات و موانع موجود گفت: هدف اصلی ما رفع مشکلات بخش خصوصی است، اما متأسفانه کشور گرفتار انبوهی از قوانین شده و یکی از مأموریت‌های ما نظم دادن به این قوانین است. قوانین گاه محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند که حتی با دستور ریاست جمهوری هم هماهنگ نیستند و برطرف کردن آنها زمان‌بر است. وی افزود: در جلسات حاکمیتی، همیشه نماینده بخش خصوصی بوده‌ایم و برای رفع موانع آن تلاش می‌کنیم. اگر گاهی نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود، به دلیل پیچیدگی قوانین و محدودیت اختیارات ماست، اما پیگیری ادامه دارد.

حلقه مفقوده تحقیقات بازار در زنجیره صادرات



به سمت سرمایه‌گذاری مشترک برویم و اتاق ایران و اتاق مشهد در این مسیر سیاستگذاری کنند. به ویژه که خروج اتباع می‌تواند به کمک این موضوع بیاید. با سرمایه‌گذاری مشترک حجم تجارت ما با این کشور می‌تواند حداقل به ههلیلیارد دلار برسد. محمد میرزاییان، نایبرئیس کمیسیون توسعه صادرات با انتقاد از تغییر دائمی قوانین صادرات و مقررات خلق‌الساعه گفت: صادرکنندگان حتی برای یک ماه آینده خود نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند. نوسان قیمت ارز امکان برنامه‌ریزی برای ما نمی‌گذارد و نرخ ارز صادرات را زمین زده است. در ادامه این نشست، امیر روشن، معاون سازمان توسعه تجارت نیز با بیان اینکه صادرات کشور سنتی و متکی بر تجربه است، اظهار کرد: صادرات دنیا حرفه‌ای و متکی به مطالعه بازار

تجارت خارجی یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که با اجرای اسنپک آسیب می‌بیند.

براساس برآوردهای انجام گرفته توسط سازمان توسعه تجارت ایران در شرایط پیش رو، حوزه لجستیک و کشتیرانی با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد و همین چالش‌ها هزینه تمام شده تجارت را تا ۴۰ درصد افزایش خواهد داد. بر همین اساس دولت تهیه شده و با وزارت خواستار اصلاح قوانین و مقررات حوزه صادرات و بازگشت ارز هستند.

رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران با اشاره به افزایش هزینه تجارت خارجی با اجرای اسنپ بک، خواستار کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی رفع تعهد ارزی صادرکنندگان و واردکنندگان شد. به گزارش اتاق ایران انلان محمد لاهوتی، در نشست کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران، ادامه داد: با توجه به مواد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تحقق این امر دشوار است، اما باید راهکاری برای صادرکننده تعریف و هزینه تحمیل‌شده به او جبران شود.

وی با اشاره به تشکیل کمیته ویژه اسنپک در سازمان توسعه تجارت، تأکید کرد: باید نماینده اتاق ایران هم در این کمیته حضور داشته باشد. سازمان توسعه تجارت و همه ما باید برای بدترین سناریوها هم برنامه‌ریزی داشته باشیم. لاهوتی به اهمیت شرکت‌های مدیریت صادرات اشاره کرد و گفت: اگر این شرکت‌ها به درستی مورد حمایت قرار بگیرند می‌توانیم از این ابزار برای توسعه صادرات به ویژه صادرات توسط شرکت‌های کوچک و متوسط استفاده کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنانش به ظرفیت تجارت ایران و افغانستان پرداخت و افزود: افغانستان به دلیل جنگ و بی‌ثباتی ظرفیت تجارت دوجانبه ندارد. بنابراین در افغانستان باید

 ♥ دوری از تیم ملی سخت ترین روزهای زندگی‌ام بود
بهناز طاهرخانی، کاپیتان باتجربه فوتبال بانوان ایران و بازیکن تیم ملوان، از روزهای سخت و شیرین فوتبالش می‌گوید: از دوری یکساله از تیم ملی تا بازگشت دوباره با انگیزهای بیشتر. او باور دارد سن فقط یک عدد است و آینده فوتبال بانوان ایران با پشتکار بازیکنان و حمایت مسئولان می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان بدرخشد.
علاقتم‌ان به فوتبال از کجا شروع شد و چه کسی بیشترین تأثیر را داشت؟
علاقه من به فوتبال از دوران کودکی شکل گرفت و خانواده‌ام همیشه پشتیبانم بودند.همچنین دوست دارم از مریم خانم جعفری قدردانی کنم که با اعتماد و راهنمایی‌های ارزشمندشان مسیر فوتبالی‌ام را هموار کردند.
شرایط فعلی فوتبال بانوان ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟
فوتبال بانوان در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته و بازیکنان مستعد و باانگیزهای در تیم ملی حضور دارند. البته اگر حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر شود، می‌توانیم به جایگاه‌های بالاتری در آسیا و حتی عرصه جهانی برسیم. من مطمئتم با تلاش بازیکنان و حمایت مسئولان، آینده فوتبال بانوان ایران روشن خواهد بود.
کاپیتان بودن در تیم ملی و باشگاه چه مسئولیتی برایتان دارد؟
کاپیتانی مسئولیت بزرگی است، اما من آن را فرصتی برای کمک به هم‌تیم‌ها و ایجاد انگیزه می‌دانم. با تمرکز بر تمرینات، حفظ روحیه تیم و همکاری نزدیک با مربیان، سعی می‌کنم فشارها را مدیریت کرده و انرژی مثبت را به تیم منتقل کنم. برای من مهم است که همه با هم پیشرفت کنیم و بهترین نتایج را به دست آوریم.
عملکرد اسمال ملوان و نقش شما در تیم چگونه بوده است؟
خیلی خوشحالم که اسمال در کنار تیم جوان، متحد و باانگیزه ملوان بازی می‌کنم. بازیکنان ما استعداد زیادی دارند و مطمئتم اگر فرصت داشتیم چند بازیکن با تجربه بیشتر به تیم اضافه شود، می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم و قطعاً نتایج بهتری هم می‌گرفتیم. برای من سن فقط یک عدد است؛ آنچه اهمیت دارد تلاش، تمرکز و عشق به فوتبال است. ترکیب تجربه من با انرژی بازیکنان جوان باعث می‌شود عملکرد خوبی داشته باشیم. هواداران آن‌لی هم همیشه با حمایت‌های پرشورشان انگیزه ما را دوچندان می‌کنند.
سخت‌ترین لحظه ورزشی‌تان چه بوده است؟
حدود یک سال و نیم از تیم ملی دور بودم و این فاصله برایم بسیار سخت بود. اما همین جدایی به من یادآوری کرد که چقدر به تیم ملی کشورم عشق می‌ورزم. در آن دوران با وجود همه چالش‌ها تلاش کردم بهترین عملکردم را حفظ کنم تا برای بازگشت آماده باشم. این تجربه به من آموخت که صبر، پشتکار و تمرکز بر هدف، کلید عبور از سخت‌ترین شرایط است.
بزرگترین آرزوی فوتبالی شما چیست؟
بزرگترین آرزویم این است که همیشه با تعهد و تلاش، بهترین عملکردم را برای تیم ملی و باشگاه‌های ارائه دهم و در موفقیت‌های ملی و بین‌المللی سهم داشته باشم. امیدوارم الهام‌بخش بازیکنان جوان‌تر باشم و نقشی در رشد فوتبال بانوان ایران ایفا کنم.
اگر به گذشته بازگردیم، چه توصیه‌ای به نوجوان فوتبالیست خودتان دارید؟
اگر به گذشته برگردم، به نسخه نوجوان خودم می‌گفتم که همیشه به تلاش و تمرین‌ها مستمر ایمان داشته باش و هیچ وقت انگیزه و عشق به فوتبال را از دست نده. همچنین به خودش یادآوری می‌کردم که صبر و پشتکار، همراه با احترام به تیم و هم‌تیمی‌ها، مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به موفقیت است.
♥ بی احترامی یک بازیکن، جرقه جدایی
هرگاه پرسپولیس روند پر فراز و نشیبی را طی می‌کند ناخودآگاه نگاه‌ها به سمت مردی می‌چرخد که موفقیت‌های متعددی را با این باشگاه به دست آورده است. برانکو ایوانکوویچ، مربی سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان حضورش در تیم‌های گذشته بود که توانست با این تیم به قهرمانی لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا دست یابد. در واقع نام برانکو به عنوان یک ال‌ترناتوو جدی همواره مطرح بوده اما سرمربی پرسپولیس همیشه تلاش کرده اظهارات‌ی انجام ندهد که موجب ایجاد حاشیه در این باشگاه شود.
صحت یا سرمربی سابق پرسپولیس نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند که برانکو نسبت به جایی که پیش‌تر در آن فعالیت داشته همواره با احتیاط صحبت می‌کند.
برانکو در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» در خصوص حضورش در تیم‌های ملی عمان و چین گفت: «حضور در این دو تیم تجربه خوبی بود.» او در خصوص احتمال حضورش در جمع سرخپوشان بیان داشت: «فعلاً هیچ برنامه‌ای ندارم و ترجیح می‌دهم مذاکره‌ای نداشته باشم. البته برای آینده برنامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی به دستم رسیده است که برای موافقت با این گزینه‌ها باید شرایط همکاری وجود داشته باشد.»

اردن هستند تا با دومین پیروزی متوالی، شانس صعودشان به مرحله حذفی را افزایش دهند.

غایبان سرشناس

استقلال در این مسابقه چهار بازیکن خود را به دلیل مصدومیت یا محرومیت در اختیار نخواهد داشت. فرعباسی، آقاسی، چشمی و کوشکی از غایبان قطعی این دیدار هستند. این در حالی است که عملکرد درخشان تیم در هفته‌های اخیر باعث شده هواداران نگرانی خاصی از بابت نبود برخی بازیکنان نداشته باشند. استقلال در حال حاضر به چنان آمادگی بدنی و ذهنی رسیده که می‌تواند خلأ نفرات غایب را با بازیکنان جانشین پر کند. البته جنپو نیز به این دیدار نرسیده است، اما با توجه به عملکرد نه‌چندان قابل‌توجه او در بازی‌های اخیر، غیبتش تأثیر محسوسی در ترکیب نخواهد داشت. در واقع، او حتی اگر در شرایط مسابقه هم بود، احتمال کمی برای حضور در ترکیب اصلی داشت.

استراتژی محتاطانه

سپاهینتو و کادرفنی استقلال به خوبی می‌دانند که بازی در خانه حریف شرایط خاص خود را دارد. ال‌حدات با حمایت هوادانش معمولاً تیمی پرتاژی و پرتلاش است و استقلال نمی‌خواهد با بازی احساسی یا هجومی بی‌برنامه، در دام حملات سریع حریف بیفتد.

به همین دلیل انتظار می‌رود استقلال با برنامه‌ای متفاوت از دیدارهای لیگ برتر وارد میدان شود؛ تیمی منظم و متعادل که در فاز دفاعی تمرکز بالایی دارد و در فاز هجومی از ضدحملات سریع و موقعیت‌های لحظه‌ای برای ضربه زدن به حریف استفاده خواهد کرد.

به نظر می‌رسد سپاهینتو قصد ندارد تیمش را در نیمه نخست درگیر ریسک‌های زیاد کند و احتمالاً با بازی مداراگرانه، سعی در کنترل نبض میدان دارد تا در لحظات حساس و موقعیت‌های کلیدی، ضربه نهایی را وارد کند.

امید استقلال به ستاره‌ها

در غیاب چند مهره کلیدی، استقلال همچنان از حضور بازیکنان تأثیرگذاری برخوردار است. الحدادی و اسانی که در بازی رفت مقابل ال‌حدات گلزنی کردند، امید اصلی خط حمله تیم خواهند بود. این دو بازیکن با قدرت بدنی بالا و هوش تاکتیکی خود می‌توانند بار دیگر خط دفاع حریف اردنی را تحت فشار قرار دهند. در کنار این دو، بازیکنانی چون حردانی در سمت راست و آدان که به ترکیب اصلی بازگشته، نقش مهمی در اجرای برنامه‌های تهاجمی تیم خواهند داشت. آشورماثوف و گودرزی نیز این روزها عصای دست استقلال در خط دفاع شده‌اند. استقلال همچنین در میانه میدان از بازیکنانی بهره می‌برد که به خوبی توانسته‌اند تفکرات تاکتیکی سپاهینتو را در میدان پیاده کنند. احمدی و رزاقی‌نیا از جمله همین بازیکنان هستند. انسجام تیمی و هماهنگی خطوط سه‌گانه استقلال، یکی از دلایل اصلی موفقیت‌های اخیر این تیم محسوب می‌شود.

در اوج هماهنگی و انگیزه

استقلال امشب نسبت به هفته‌های ابتدایی فصل، تیمی متفاوت است. نظم تاکتیکی، انسجام در خطوط دفاع و حمله و مهم‌تر از همه روحیه تیمی بالا باعث شده آبی‌پوشان به یکی از مدعیان اصلی صعود از گروه خود تبدیل شوند. شاگردان سپاهینتو با اعتمادبنفس وارد این مسابقه خواهند شد و به خوبی می‌دانند که کسب سه امتیاز در اردن تا چه اندازه می‌تواند مسیر آنها را برای مرحله بعد هموار کند.

سپاهینتو نیز آگاه است که برتری در این دیدار نه‌تنها موقعیت استقلال را در جدول تقویت می‌کند، بلکه روحیه تیم را برای دو دیدار حساس بعدی برابر المحرق بحرین و النصر امارات افزایش خواهد داد.

وقت فریاد در آسیا است



✎ عرفان حمیدی – دیدار استقلال والوحدات اردن یکی از حساس‌ترین مسابقات این هفته لیگ قهرمانان آسیاست. آبی‌ها برای حفظ روند پیروزی‌های خود و تثبیت جایگاه در جدول، تنها به برد فکر می‌کنند.

چهارشنبه شب، ورزشگاه شاه عبدالله دوم در شهر امان اردن میزبان تقابل حساس تیم‌های استقلال ایران والوحدات اردن خواهد بود؛ دیداری که می‌تواند تأثیر مهمی در سرنوشت صعود آبی‌پوشان تهرانی از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا داشته باشد.

استقلال در بازی رفت موفق شد با نتیجه ۲ بر صفر و با گل‌های اسانی و الحدادی، الوحدات را در ورزشگاه شهدای شهرقدس شکست دهد. آن پیروزی در شرایطی به دست آمد که آبی‌پوشان پیش از آن دو شکست متوالی برابر المحرق بحرین و النصر امارات را تجربه کرده بودند و شدت نیاز به کسب یک برد روحیه‌بخش داشتند. آن برد باعث شد استقلال دوباره در مسیر درست قرار گیرد و وضعیت خود را در جدول اسپاهینتو و شاگردانش به دنبال تکرار همان نتیجه در



برای صابر دعا کنید

چه خبر از تقویت کادر قلعه‌نویی؟

در حالی که مسئولان فدراسیون فوتبال و کادر فنی تیم ملی ایران هفته‌ها از «پروژه تقویت کادر فنی» با حضور سالواتوره فوتی، دستیار پیشین ژوزه مورینیو، سخن می‌گفتند، این پروژه با یک شکست آشکار به پایان رسید.

فوتی روز یکشنبه به طور رسمی از سوی باشگاه سمیدوریا به عنوان دستیار سرمربی جدید این تیم در سری B ایتالیا معرفی شد؛ تصمیمی که عملاً پرونده حضور او در تیم ملی ایران را بست. این اتفاق در حالی رخ داد که فوتی چندی پیش برای تماشای دیدار تدارکاتی ایران و تانزانیا به دبی سفر کرده بود و منابع نزدیک



به فدراسیون، از توافق نهایی میان دو طرف خبر داده بودند اما در فاصله‌ای کوتاه، سمیدوریا با پیشنهادی رسمی، این مربی ایتالیایی را به جنوا برگرداند تا فدراسیون ایران یکبار دیگر، قربانی تعلل و بی‌برنامگی مژمن خود شود.

از فرصت‌سوزی تا بی‌برنامگی

فدراسیون فوتبال در جریان مذاکرات با فوتی، عملاً دو بازی تدارکاتی را از دست داد. حالا در استانه تورنمنت امارات، کادرفنی تیم

ملی نه تنها دستیار جدیدی در اختیار ندارد، بلکه از نظر فنی نیز ایده‌ای تازه و بین‌المللی به مجموعه اضافه نشده

است. در چنین شرایطی، تیم ملی ایران با کادری که بیش از هر زمان دیگری اعتبار و انسجامش زیر سؤال رفته، به مسیر آماده‌سازی ادامه می‌دهد. به جز آنتونیو مانیکنو، هیچ چهره بین‌المللی مؤثری در ترکیب فنی تیم دیده نمی‌شود؛ موضوعی که کارشناسان فوتبال

ایران بارها درباره‌اش هشدار داده‌اند.

پروژه فوتی، بیش از آنکه نمادی از «تلاش برای پیشرفت» باشد.

بسه نصاد دیگری از بی‌برنامگی در فدراسیون فوتبال بدل شد. فدراسیونی که به جای طراحی دقیق و مذاکره حرفه‌ای، صرفاً با «تبلیغات رسانه‌ای» و «حمایش امید» پیش می‌رود. در حالی که امیر قلعه‌نویی شخصاً بر جذب فوتی اصرار داشت و حتی نامه رسمی برای عقد قرارداد ارسال شده بود.

عدم قاطعیت و کندی تصمیم‌گیری فدراسیون، در نهایت باعث شد فوتی راه شهر جنوا و باشگاه سمیدوریا را در پیش بگیرد. حالا سمیدوریا، تیم قدیمی اما بحران‌زده ایتالیا، او را در کنار گروگوتی به کار گرفته است؛ تیمی که با پنج امتیاز از هشت بازی، در رتبه هجدهم جدول سری B قرار دارد.

فوتی پرولاپسینس نداشت!

رسانه‌های ایتالیایی از انتصاب فوتی به عنوان «آغاز دوره فوتی» یاد کرده‌اند. هرچند به دلیل نداشتن مدرک مربیگری پرولاپسینس،

نام او به عنوان سرمربی رسمی ثبت نشده است، اما گزارش‌ها تأکید دارند که هدایت فنی واقعی تیم برعهده او خواهد بود.

این در حالی است که در ایران، همچنان پروژه‌های ناکام یکی پس از دیگری تکرار می‌شوند. فوتی می‌توانست نقطه عطفی در مسیر به‌روزرسانی دانش فنی تیم ملی باشد، اما بار دیگر فدراسیون فوتبال ایران نشان داد که در عمل، نه برنامه دارد و نه شاید اراده‌ای برای تغییر. با این حال نداشتن مدرک پرولاپسینس که باعث شده او سرمربی سمیدوریا نباشد، یک علامت سؤال بزرگ دیگر در انتخاب این مربی جوان از سوی فدراسیون فوتبال است.

سپاهینتو چشم انتظار بیداری نازون و جنپو

ابتدای فصل با پندهای خاص و ابهام‌آمیز در قراردادنش خبرساز شد، اخیراً دچار مصدومیتی جزئی شده است. آمار گلزنی جنپو نیز به مانند نازون عدد صفر را نشان می‌دهد که این وضعیت آینده مبهمی را برای این مالیایی پیش‌بینی خواهد کرد.

جنپو برخلاف نازون، بیشتر در نقش مهاجم هدف و با وظیفه درگیر شدن با مدافعان حریف به میدان می‌رود. او در برخی دیدارها توانسته فضا برای دیگر بازیکنان بسازد، اما

نبود گل و پاس گل در کارنامه‌اش باعث بالا بردن حساسیت‌ها شده است. سپاهینتو در جلسات فنی اخیر با این بازیکن نیز اختصاصی کار کرده و باید دید در روز بازی با الوحدات چه ثمراتی خواهد داشت.

این آمار نگران‌کننده است

۹۰۰ دقیقه گل نزنن دو مهاجمی که هزینه زیادی روی دوش استقلال نهاده‌اند؛ چنین آماری برای تیمی که مدعی قهرمانی است، غیرقابل‌قبول تلقی می‌شود و فشار را روی کادر فنی و مهاجمان افزایش داده است. استقلال نیاز دارد تا با بازتعریف نقش مهاجمان و بازسازی روحی آن‌ها، بحران گل‌نرزی را برطرف کند. زیرا در ادامه فصل و در دیدارهای سنگین آسیایی، فرصت اشتباه کمتر خواهد بود.

در ذهن مرد پرتغالی چه می‌گذرد؟

ریکاردو سپاهینتو به خوبی می‌داند که ادامه این روند می‌تواند برای استقلال خطرناک باشد. به همین دلیل، او در تمرینات اخیر بخش ویژه‌ای را به تمرینات شوت‌زنی، پاس‌های عمقی و حرکات ترکیبی اختصاص داده است. علاوه بر تمرینات فنی، سپاهینتو از مشاوران خود نیز خواست تا برای افزایش اعتمادبنفس مهاجمان جلسات جداگانه‌ای برگزار کند.

با این وجود، مشخص نیست که این اقدامات تا چه حد نتیجه‌بخش خواهد بود. اگر جنپو و نازون نتوانند در بازی‌های پیش‌رو صعودی از خود نشان دهند، احتمالاً استقلال

استقلال در حالی آماده یازدهمین نبرد رسمی خود می‌شود که هنوز دو مهاجم خارجی‌اش، جنپو و نازون، نتوانسته‌اند دروازه حریفان را باز کنند. هر دو بازیکن تا اینجای فصل در تمامی رقابت‌ها (شامل لیگ برتر، سوپر جام و لیگ نخبگان) گلی نزده‌اند و این شرایط در حالی نگرانی‌ها را فزونی بخشیده که (۱۰ بازی) ۹۰۰ دقیقه از حضور استقلال در رقابت‌های فصل جدید گذشته است.

این وضعیت نه‌تنها برای سپاهینتو و کادر فنی نگران‌کننده، بلکه هواداران را نیز ناامید کرده است. استقلال برای قهرمانی در لیگ برتر و درخشش در آسیا، نیاز به مهاجمانی دارد که بتوانند بازی‌های گره‌خورده را با یک ضربه نجات دهند، اما فعلاً چنین قابلیتی در خط حمله این تیم دیده نمی‌شود.

نازون؛ گلزن ملی اما خاموش در استقلال

نازون مهاجم اهل هائیتی، در تیم ملی کشورش عملکرد چشمگیری دارد و بارها موفق به گلزنی شده است. اما در استقلال، هنوز نتوانسته همان اعتمادبنفس و دقت را به نمایش بگذارد. عواملی همچون: دیر اضافه شدن به تمرینات پیش‌فصل و ناهماهنگی با سایریر بازیکنان، شرکت در مسابقات ملی که باعث از دست رفتن بخشی از تمرینات تاکتیکی تیم شد و شاید تغییر مداوم سیستم هجومی سپاهینتو در عملکرد این بازیکن نقش داشته است.

با این حال، عملکرد نازون از نظر دوندگی و مشارکت در پرسینگ رضایت‌بخش بوده، اما مشکل اصلی او در ضربات نهایی و تصمیم‌گیری در محوطه جریمه است. سپاهینتو در چند جلسه تمرینی اخیر تلاش کرده با تمرکز بر ضربات آخر و شوت‌زنی، این ضعف را برطرف کند، یابد دید چه اثر محسوسی در بازی‌های رسمی خواهد گذاشت.

جنپو؛ از پندهای عجیب قرارداد تا مصدومیت ناخواسته

در سوی دیگر، جنپو مهاجم مالیایی استقلال نیز در شرایط مشابهی قرار دارد. او که در

● دلار ۹۳،۴۰۰ ● یورو ۱۰۸،۸۲۰ ● پوند ۱۲۵،۴۸۰ ● درهم ۲۵،۵۵۰ ● لیر ۲،۳۰۰ ● سکه ۸۵،۴۵۰،۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶،۶۱۰،۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵،۲۰۰،۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶،۷۴۰،۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴،۸۰۰،۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷،۵۹۰،۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰،۱۰۰،۰۰۰ ●



روزنامه **در اقتصاد** www.marzegheshad.ir

چهارشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۹۵
www.marzegheshad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر



عیار سنجی جریان نقدی نفتی ها

❧ مرتضی اکبری -صنعت فرآورده‌های نفتی در بورس تهران طی سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین بخش‌های تولیدی و سودده بازار سرمایه بوده‌است.

در مجموع این صنعت از در بازه زمانی یادشده ۴هزار و ۹۹۷درصد بازدهی کسب کرده است. از دیگرسو بررسی داده‌های مربوط به جریان‌های نقدی و فروش این صنعت نیز تصویری روشن از تحولات درونی آن ارائه می‌دهد. بررسی دقیق‌تر این داده‌ها نشان می‌دهد، ساختار مالی و عملیاتی این شرکت‌ها در برابر تحولات اقتصادی کشور، تغییرات قیمت جهانی نفت، و نوسانات ارزی واکنش نشان داده است. بررسی روند این داده‌ها نه‌تنها وضعیت گذشته را ترسیم می‌کند بلکه چرایی بسیاری از نوسانات ارزش سهام پالایشی‌ها در بازار سرمایه را نیز آشکار می‌سازد.

نسبت جریان نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به فروش یا همان نسبت (OCF)، یکی از شاخص‌های بنیادی و کلیدی در ارزیابی سلامت مالی و کارایی عملیاتی شرکت‌ها به‌ویژه در صنایع سرمایه‌بر مانند صنعت فرآورده‌های نفتی است. این نسبت نشان می‌دهد چه سهمی از فروش شرکت واقعا به وجه نقد تبدیل می‌شود و تا چه اندازه سود گزارش‌شده توانایی ایجاد نقد واقعی را دارد. با توجه به ماهیت صنعت فرآورده‌های نفتی که در آن گردش مالی بالا و هزینه‌های جاری سنگین است، اهمیت این شاخص دوچندان است، زیرا حاشیه سود معمولاً محدود و وابسته به قیمت جهانی نفت، نرخ ارز، و سیاست‌های داخلی است.

نسبت OCF بالا در این نوع از صنایع بیانگر آن است که شرکت توانسته مدیریت موثری بر سرمایه در گردش، دریافت مطالبات از شرکت‌های دولتی و کنترل موجودی‌ها داشته باشد و بخش قابل‌توجهی از فروش خود را به وجه نقد واقعی تبدیل کند. در مقابل، کاهش این نسبت می‌تواند هشداري از افزایش هزینه مواد اولیه، انباشت موجودی و مهم‌تر از همه تأخیر در وصول مطالبات باشد. ازاین‌رو، تحلیل روند این نسبت در شرکت‌های پالایشی یکی از معیارهای اصلی سنجش پایداری جریان نقدی و توانایی تداوم عملیات آنها محسوب می‌شود و در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در ابتدای دوره مورد بررسی، یعنی سال مالی منتهی به اسفند ۱۳۹۵، حجم نقد حاصل از عملیات در صنعت فرآورده‌های نفتی حدود ۴،۴ همت بوده است. در همان سال، فروش کل صنعت نیز در حدود ۶۶همت بود که نشان می‌داد سهم نقدی حاصل از فروش در سطح پایینی قرار دارد. جریان خالص ورود وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی پس از کسر مالیات در همان سال، حدود ۳همت بود و نسبت نقد به فروش به ۴،۹۸درصد رسیده‌است. این ارقام تصویر صنعتی را نشان می‌داد که هنوز در مرحله تثبیت عملیات و کنترل هزینه‌ها قرار دارد و ظرفیت نقدسازی آن در مقایسه با حجم فروش چندان بالا نیست.

در سال ۱۳۹۶ وضعیت بهبود قابل‌توجهی یافت. نقد حاصل از عملیات در صورت جریان وجوه نقد این صنعت با رشد بیش از پنجاه درصدی به حدود ۶،۷همت رسید و جریان خالص ورود وجه نقد عملیاتی به بیش از ۵،۵همت افزایش یافت. فروش صنعت نیز با رشد ۲۲،۳۱ درصدی در همین سال به نزدیک ۸۸همت رسید که بیانگر رشد محسوس تقاضا و افزایش حجم مبادلات داخلی و صادراتی بود.

سفر بسیار طولانی بود

من شاهد پیشرفت در کل سینما بودم، سرعت فن‌آوری جدید اساس است. من همیشه معتقد بودم‌ام که بازیگران اکشن هنوز مرا شگفت‌زده می‌کند و بسیاری از تکنیک‌هایی من بسیار هرگز نمی‌توانند جایگزین شوند. مهم نیست که فن‌آوری و تازه هستند. اما در فیلم‌های اکشن، هر قدر هم که فن‌آوری تجهیزات چقدر پیشرفته شوند، آنها فقط می‌توانند از فیلم صحنه‌های فیلمبرداری شروع کرد؛ امسال شصت و چهارمین پیشرفت‌کننده عنصر انسانی حرف اول را می‌زند. او تأکید کرد: برای فیلم‌های اکشن، بازیگر هنوز پایه و حرفه‌ای نمی‌شوند.

است. بررسی‌های دنیای اقتصاد نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ روند صعودی نقدسازی ادامه پیدا کرد اما با شتابی کمتر. نقد حاصل از عملیات در این سال به بیش از ۵۲همت افزایش یافت و جریان خالص ورود وجه نقد عملیاتی پس از مالیات حدود ۴۴۷میلیون واحد ثبت شد. فروش نیز با جهشی ۱۰۲درصدی به بیش از ۷۳۶ همت رسید. نسبت نقد به فروش حدود شش درصد گزارش شد که در ظاهر کمی کمتر از سال قبل بود اما با توجه به رشد دوبرابری فروش، سطح نقد حاصل از عملیات در ارزش مطلق بسیار بیشتر شده بود. در این مقطع صنعت فرآورده‌های نفتی وارد مرحله‌ای از رشد سریع درآمد شد که بیشتر ناشی از تورم قیمتی و افزایش نرخ جهانی فرآورده‌ها بود. در نتیجه حجم ریالی معاملات و سود اسمی افزایش یافت اما نرخ تبدیل فروش به نقد تقریباً ثابت ماند.

فشارهای نقدینگی و چالش‌های ساختاری

در سال ۱۴۰۱ نیز این صنعت توانسته سطح نسبت‌های نقدینگی خود را متناسب با رشد فروش حفظ کند. در این دوره شرکت‌های پالایشی از افزایش ظرفیت تولید و ثبات نسبی در تأمین خوراک بهره‌مند شدند و نقدشوندگی عملکرد آنها تقویت شد. با این حال، هزینه‌های سرمایه‌ای نیز افزایش یافت که در ارقام جریان نقدی سرمایه‌گذاری قابل مشاهده است. خروج نقد ناشی از سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۲۴همت رسید، رقمی که می‌تواند بیانگر تداوم روند توسعه‌ای صنعت باشد. با این حال تقریباً ثابت ماندن مالیات پرداختنی اصلی‌ترین دلیل این رشد است و نشان می‌دهد تصمیمات سیاستگذار می‌تواند با سرعت هرچه تمام روند صورت‌های مالی صنایع را تغییر دهد و بدون توجه به روندهای تصمیم‌گیری در فضای سیاستگذاری نمی‌توان درک کاملی از صورت‌های مالی داشت.

در سال ۱۴۰۲ عملکرد مالی صنعت به شکل محسوسی بهبود یافت. نقد حاصل از عملیات از مرز ۱۱۹همت گذشت و جریان خالص وجه نقد عملیاتی پس از کسر مالیات نیز به بیش از ۱۰۲همت رسید. فروش در این سال نیز با رشد خفیف ۱۱درصدی به بیش از هزار و ۲۸۰همت افزایش یافت و نسبت نقد به فروش به ۸،۰۱درصد رسید که بالاترین رقم ثبت‌شده از سال ۱۳۹۵ تاکنون است. افزایش این نسبت نشان می‌دهد که صنعت توانست بخش بیشتری از درآمد خود را به وجه نقد واقعی تبدیل کند. احتمالاً بهبود ساختار فروش صادراتی و افزایش بهره‌وری عملیاتی از عوامل موثر بر این رشد بوده است. رشد همزمان فروش و نقدینگی در این سال نشانه‌ای از سلامت مالی بالاتر شرکت‌های زیرمجموعه صنعت بود و حاکی از ثبات نسبی شرایط اقتصادی کشور و بازگشت اعتماد به بازار داخلی فرآورده‌های نفتی است.

تعادل در شرایط تورمی

در نهایت در سال ۱۴۰۳ نیز با شیب کمتر این روند صعودی ادامه یافت. نقد حاصل از عملیات به حدود ۱۴۵ همت رسید و جریان خالص ورود وجه نقد عملیاتی پس از مالیات به بیش از ۱۲۸ همت افزایش پیدا کرد. فروش نیز با جهشی قابل‌توجه به حدود هزار و ۷۸۲ همت رسید. نسبت نقد به فروش در این سال حدود ۷،۱۹درصد محاسبه شد که نسبت به سال قبل اندکی کاهش نشان می‌دهد اما در مقایسه با ابتدای دوره، جهشی بزرگ را نشان می‌دهد.

با این وجود، افزایش هم‌زمان فروش و نقدینگی بیانگر حفظ پایداری در عملیات و تداوم گردش نقدی مثبت در سطح صنعت است. در این مقطع صنعت فرآورده‌های نفتی در نقطه‌ای از بلوغ مالی قرار گرفته که توانسته همزمان سطح پایایی از فروش و نقد عملیاتی را حفظ کند و فشارهای سرمایه‌گذاری را نیز تا حدودی مدیریت نماید.

مور ده سال اخیر نشان می‌دهد که صنعت فرآورده‌های نفتی در بورس تهران توانسته است از مرحله‌ای با جریان نقدی محدود و وابستگی شدید به تغییرات قیمت نفت خام، به مرحله‌ای با نقدشوندگی بالا و ثبات نسبی در عملیات برسد. مسیر طی‌شده از رشد تدریجی نسبت نقد به فروش، از حدود پنج درصد در سال ۱۳۹۵ تا بیش از هفت درصد در سال ۱۴۰۳، نمایانگر بهبود مستمر در کارایی مالی و عملیاتی است.

در طول این دوره، صنعت نه تنها توانسته است حجم فروش خود را بیش از بیست‌وشش برابر افزایش دهد، بلکه موفق شده جریان نقدی سرمایه‌گذاری در تمام دوره افزایش بوده‌است و از حدود ۱،۶همت در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۵۳،۲همت در سال ۱۴۰۳ رسیده است که رشد بیش از ۳ هزار درصدی را نشان می‌دهد. این روند بیانگر تداوم برنامه‌های توسعه‌ای، نوسازی تجهیزات، و افزایش ظرفیت پالایش در سطح صنعت است. اگرچه خروج نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری ممکن است در کوتاه‌مدت فشار بر نقدینگی ایجاد کند، اما از منظر تحلیل روندی، چنین الگویی نشانه‌ای از پویایی و تلاش برای حفظ رقابت‌پذیری در بازار است.

در مجموع می‌توان گفت صنعت فرآورده‌های نفتی طی این ۱۰ سال توانسته است از فاز تثبیت به فاز رشد پایدار نقدینگی وارد شود و به نظر می‌رسد افت‌وخیزهای مقطعی در برخی سال‌ها بیشتر ناشی از شرایط کلان اقتصادی و نوسانات قیمت جهانی نفت بوده است تا ضعف ساختاری در صنعت. پیوستگی رشد در ارقام فروش و نقد عملیاتی، حتی در دوره‌های تورمی و تحریم، بیانگر توانمندی عملیاتی و انعطاف‌پذیری بالای این بخش است. شیبی که گویای مسیر تدریجی اما پایدار حرکت صنعت از سطح نقدینگی پایین به سطح نسبت نقدینگی بالا است. این مسیر نشان می‌دهد که صنعت فرآورده‌های نفتی، با وجود تمام چالش‌های محیطی و سیاسی، توانسته است درون خود مکانیسم‌های کارآمدی برای تولید نقد واقعی ایجاد کند و جریان مالی خود را به ثبات برساند.



این صنعت

که شامل

شرکت‌های

پالایشگاهی

و تولیدکننده

انواع

فرآورده‌های

حاصل از نفت

خام است

عکس نوشت



کار تون



تمرین تیم فوتبال

استقلال پیش از

دیدار برابر الوحدات

محظرتان دزدی بزرگ از «موزه لوور»

موزه «لوور» روز یکشنبه مورد سرقت قرار گرفت و واکنش‌های فراوانی را به وجود آورد. این موضوع باعث شد مخالفان ایمانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه انتقادهای تند و تیزی را نسبت به او مطرح کنند.

در همین رابطه وزارت فرهنگ فرانسه اعلام کرد ۸ قطعه جواهر به سرقت رفته‌اند اما برخلاف اظهارنظرها تاچ بسیار ارزشمند همسر ناپلئون سوم، در میان آنها نبوده است. این اتفاق در گالری آپولون رخ داد که محل نگهداری جواهرات سلطنتی فرانسه است که در سال ۱۶۶۱میلادی به دستور لویی چهاردهم ساخته شد. این تالار، مملو از ورق‌های طلا و نقاشی‌ها، الگویی شد برای «تالار آینه» کاخ ورسای که در سراسر جهان معروف است. گزارش‌ها حاکی است پس از این سرقت موزه خیلی سریع بسته شد و مسوولانش متوجه شدند جواهرات بی‌قیمت دوران ناپلئونی به سرقت رفته است.

گاردین نوشته درحالی‌که پلیس فرانسه به دنبال سارقانی است که هشت قطعه جواهر تاریخی را دزدیدند، پرسش‌هایی درباره چگونگی انجام این کار و این‌که چه کسانی ممکن است خریدار اقلام بی‌قیمت، از جمله گردنبندی که ناپلئون به همسرش داده بود، باشند، مطرح شده است. چهار سارق نقاب‌دار در یک یورش حرفه‌ای در روشنائی روز، در جاده‌ای در امتداد رود سن توقف کردند. حدود ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت محلی؛ یعنی حدود نیم ساعت پس از آن‌که ورود بازدیدکنندگان به موزه آغاز شد و از سمت جنوبی ساختمان، در کامیونی که دارای سید بالابر و تدریان تلسکوپی بود و به بالکنی در طبقه دوم می‌رسید منظر ماندند.

طبق گفته مقامات موزه آنها با استفاده از سنگفرز و دیگر ابزارهای برقی از آنجا وارد شدند. آنها شیشه‌های ویتروین‌ها را شکستند و جواهرات گران‌بها را برداشتند درحالی‌که آژیرهای هشدار در موزه به صدا درآمد و نگهبانان را مطلع کرد، دزدان به سرعت گریختند و با موتورسیکلت فرار کردند. طبق گفته‌لوران نونز وزیر کشور فرانسه کل عملیات کمتر از ۱۰ دقیقه طول کشیده است. او گفت این کار توسط تیمی باتجربه که آشکارا محل را از پیش بررسی کرده بودند انجام شده است. وزارت فرهنگ فرانسه اعلام کرد ۸ قطعه جواهر به سرقت رفته‌اند، اما تاچ بسیار ارزشمند همسر ناپلئون سوم، ملکه «لوئیز» که سارقان هنگام خروج آن را انداختند، در میان آنها نبود. آنها همچنین الماس «ریجنت» را از دست دادند، که طبق برآورد حراجی سانتییز بیش از ۶۰میلیون دلار ارزش دارد و آن هم در همان گالری قرار داشت.

سایر اقلام سرقت‌شده شامل یک تاج، گوشواره‌ها و گردنبند یاقوت کبود از مجموعه جواهرات ملکه «ماری – آملی» و ملکه «Hortense» و نیز قطعاتی از مجموعه ماری – لوئیز است. این سرقت باعث شد مخالفان ایمانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به او حمله کنند. زوردان باردارلا رهبر جنبه راست افراطی، در شبکه X نوشت: «لوور نماد جهانی فرهنگ ماست. این سرقت، که به سارقان اجازه داد جواهرات فرانسه را دزدند، تحقیر غیرقابل‌تحملی برای کشور ماست. انحطاط دولت تا کجا پیش خواهد رفت؟»

مکرون رئیس‌جمهور فرانسه نیز گفته است: فرانسه آثار را بازخواهد یافت و اعلان به دست عدالت سپرده خواهد شد. او افزود: سرقتی که در لوور رخ داده، حمله‌ای است به میراثی که آن را عزیز می‌داریم؛ زیرا تاریخ ماست. وزیر کشور فرانسه هم با این تأکید که این یک سرقت بزرگ است، خاطرنشان کرد که اقدامات امنیتی در لوور در سال‌های اخیر قوت پیدا کرده‌اند و به عنوان بخشی از برنامه نوسازی چندمیلیون‌یورویی آینده موزه، باز هم قوت پیدا خواهد کرد. امنیت در اطراف آثار شاخص همچنان شدید است، تابلوی مونالیزا پشت شیشه ضدگلوله در محفظه‌ای با کنترل دما نگهداری می‌شود، اما سرقت روز یکشنبه نشان داد که حفاظت در سراسر موزه برای بیش از ۲۳ هزار شیء به طور یکپارچه، قوی نیست و این سرقت رسوایی تازه‌ای است برای موزه‌ای که پیش‌تر نیز زیر ذره‌بین بوده است.

ماگلی کونل بازدیدکننده موزه و معلم فرانسوی به گاردین گفت: «چطور ممکن است کسی با بالابر تا یک پنجره بالا برود و وسط روز جواهرات را ببرد؟ واقعا باور کردنی نیست که موزه‌ای به این شهرت بتواند چنین شکاف‌های آشکاری در امنیت داشته باشد.»

موزه لوور تاریخ طولانی از این سرقت‌ها دارد؛ شاید بزرگ‌ترین آن توسط یک فرد ایتالیایی بوده که مدتی کوتاه در آنجا کار کرده بود و تابلوی مونالیزا را در سالال ۱۹۱۱ دزدید.در جریان آن سرقت وینچنزو پروچیا وارد موزه شد درحالی‌که لباسش طوری بود که به نظر می‌رسید از کارکنان موزه است. وقتی هیچ‌کس نگاه نمی‌کرد، نقاشی را از جای خود برداشت و به آرامی خارج شد. او بعدا دستگیر شد و نقاشی بازپایی شد.

رویداد مشابه دیگری در سال ۱۹۵۶ میلادی؛ یعنی زمانی رخ داد که یک بازدیدکننده، سنگی به سوی لیخند مشهور مونالیزا پرتاب کرد، که باعث شد رنگ در نزدیکی آرنج چپ او ترک بردارد و روند انتقال تابلو به نمایش در پشت شیشه محافظ سرعت گیرد